

کردستان قهرمان همچنان پرچم سرخ و خونین انقلاب را برافراشته نگهداشته است. ارتجاع زبونانه میکوشد با بمباران شهرها و روستاها این خلق قهرمان را به زانودر آورد اما خلق کرد فریاد میکشد: «هرخانه مان یک سنگری، هر دستمان مسلسلی هر قلبمان نارنجکی، اگر همه کشته شویم، خلق سلاح نمیشویم»

مروری کوتاه بر پیکار دلیرانه مردم مبارز سنندج

۲۵ روز دلاوری و مقاومت قهرمانانه خلق کرد!



بیش از سه هفته از تهاجم جنایتکارانه مجدد رژیم جمهوری اسلامی به کردستان می گذرد. مسارزات انقلابی و پیکار قهرمانانه خلق کرد در این مدت نشان داده است که رسول حسن رژیم به هر حمله، به هر شیوه سرکوب و با هر نوع تسلیمات دروغ بر علیه خلق رزمنده کرده شکست انجا میدهد است و خلق کرد با استواری هر چه تنها مترنا کسب خود مختاری کامل و آزادی از استعماری و طبقاتی در جهار جوب ایرانی مستقل و آزاد، دست از پیکار نخواهد کشید. برای به اجراء در آوردن سرکوب مجدد رژیم ابتدا مسئله استقرار ارتش در نواحی مرزی برای بند شعبه عراق را به فرار دادنا با این حمله خلق کرد را در نواحی مره کامل نظا می فرار دهد، اما بقیه در صفحه ۵

انحلال طلبی در پوشش فریادهای وحدت طلبانه
● اصولیت عامل «نیرو» در ائتلاف و عکس العمل گروههای موسوم به خط ۳

طرح عامل «نیرو» و چگونگی موقعیت نیروهای مختلف درون جنبش کمونیستی در سطح جنبش و در بین توده ها بعنوان یکی از دو عامل مورد نظر ما در ائتلاف (۱) برای معرفی کاندیداهای مشترک در جریان انتخابات مجلس شورای ملی، عکس العمل طبیعی برخی گروههای موسوم به خط ۳ را برانگیخت بدین ترتیب اختلاف دیدگاه استکلاسی ما با این نیروها، که بالطبع جدا از اختلافات سیاسی - اندشولوزیک ما نمی توانند باشد، یکبار ردیکر وجود خود را در عرصه ای دیگر نشان داد. اختلافی که در سینه وسایقه دار می باشد و اسجا و آنجا خود را نشان داده است. ما این اختلاف را، اختلاف نظرات خود با نظرات بقیه در صفحه ۱۰

کوشش برای تشکیل دولت: گامی در جهت تقویت موقعیت بنی صدر

جمعه گذشته در جریان انتخابات مرحله دوم مجلس شورای اسلامی، بنی صدر درخواست های سهگانه زیر را از آیت الله خمینی مطرح کرد:

۱- انتخابات نخست وزیر را بصورت ناممکن
۲- قوای انتظامی در اختیار و بدستور عمل کند.
۳- دستکاهای تبلیغاتی یا بدیگر اختلاف مصالح کشور و مخالف سیاست جمهوری اسلامی نباشند و آزادی آنان در حدود قوانین اسلامی با بدیگر اعتبار شود. (انقلاب اسلامی، ۲۰ اردیبهشت).

این درخواست ها که با وساطت سید احمد خمینی انجا گرفت، مورد تأیید آیت الله خمینی نیز واقع بقیه در صفحه ۱۵

کنفرانس کشورهای اسلامی: تلاش تازه آمریکا برای تحکیم موقعیت خویش
صفحه ۱۶

سازمان مجاهدین و جنبش کردستان
مقدمه:

بورژوازی لیبرال با به قدرت رسیدن خود برای تثبیت موقعیت طبقاتی اش دوسایست اساسی را تعقیب می نمود: اول، کوشش در جهت ترمیم و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، زیرا او میدانست که حیات طبقاتی تیش در خارج از این سیستم مکان پذیر نمی باشد و دوم کوشش فعال در سرکوب انقلاب، زیرا او آگاه بود که مبارزه طبقاتی و ملی جاری در جاده توسعه ناگزیر آن که ریشه در عمق تضادهای حاد طبقاتی و بحران عمومی موجود دارد، عامل اصلی عدم ثبات بورژوازی و دولت طبقاتی اوست.

بقیه در صفحه ۲

کارگران مبارز کفش ملی، قاطعانه ۴۰ ساعت کار در هفته را به مورد اجرا گذاشتند
صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

سازمان مجاهدین ...

بنا بر این بورژوازی برای تحقق هدف خویش به موازات حرکت برای تحکیم نظام اقتصادی وابسته کنونی به حمله و تهاجم علیه جنبش‌ها و کانونهای داغ انقلاب و از جمله کردستان فهران می بردارد و در این جهت خرده بورژوازی مرفه را وارد دنبال میکند. در چنین شرایطی کمونیستها و انقلابیون پیگیر وظیفه داشتند تا بصورت مستمر ما هیت هیئت حاکمه را برای طبقه کارگر و سربازان ارتقا یافته و توسعه و توسعه دهنده، آنان را از آگاهی انقلابی بختید و متشکلی سل سازند و با لاف مبررات آنان را علیه سیستم حاکم و امپریالیسم ارتقا داده و وسعت بخشند. کمونیستها و انقلابیون وظیفه داشتند تا برای به عقب راندن و نابود ساختن توهم سنگین شده با استواری تمام خباثنهای پیشا رهبت حاکمه را برملا ساخته و طبقه کارگر و سربازان را با روحیه ای انقلابی و متزلزل تا پذیرش تربیت نموده و وسیع نما بند و نیز از تمام حرکات اعتراضی، جنبشهای انقلابی و کانونهای انقلاب و بویژه کردستان، با شجاعت تمام موبدیرسیغ پشتیبانی و حمایت کنند.

نیروهای سیاسی انقلابی پیگیر علیرغم تمام مفاصی خود چنین کردند و چنین می کنند. اما جریانها و نیروهای سیاسی متزلزل بر اساس ما هیت طبقه ای بودند تا نتوانستند چنین خط مشی قاطعی را دنبال کنند. آنان بدون شناخت علمی از ما هیت فذ خلقی هیئت حاکمه، اساسا با ابهامات و نوسانات بسیار رخسود دنیا له روسیاستهای هیئت حاکمه بوده، به سیاست ممانعت جوینا نه با قدرت حاکم پرداخته و از تعارض سیاسی همه جانبه و پرورش انقلابی بوده ها علیه هیئت حاکمه پرهیز نموده اند. سازمان مجاهدین خلق از حمله نیروهای بوده که از ابتدای حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تا امروز در چنین خطی حرکت نموده است.

مواضع انحرافی سازمان مجاهدین در قبائل جنبش کردستان و موضع تسلیم طلبانه و راست روانه آن در قبائل سرکوب و حسیان خلق کرد توسط هیئت حاکمه نشانهای از یک خط مشی عمومی است. ما بسهم خود با رها مانی و سیاستهای سازمان مجاهدین را در زمینه های مختلف و از جمله در مورد جنبش کردستان (۱) تجزیه و تحلیل کرده ایم و انحرافات راست روانه، تزلزلات و توهانات لیبیرالی این نیروی انقلابی را مورد مپارزه ایدئولوژیک خود قرار داده ایم. و لسی رهبری سازمان مجاهدین برای اینکه انحرافات راست روانه و تزلزلاتش در نزدوده ها افشا نگردد، در پاسخ به مبارزه ایدئولوژیک ما با سکوت اختیار نموده و فرصت طلبانه ارتقا رفا با گذشته و با بنحریف و حاشی دست زده است (۲) ولی از آنجا که هدف اساسی مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک ما افشا و طرفدای انحرافات منحنی کردن مرز بندیهای سیاسی و طبقه ای و ارتقا آگاهی سیاسی بوده ها می باشد، در ادامه کسار خود با ریبودری آسیم تا سیاست راست روانه مجاهدین را در قبائل جنبش کردستان به نقد بکشیم، و بگوئیم که چه ارتباط لاینفکی بین این سیاست از یکطرف و بگش و مانی این سازمان در قبائل قدرت سیاسی حاکم از طرف دیگر وجود دارد. و نیز چه رابطه ای بین موضع فعلی این سازمان با سیاست آن در زمان نهما اول به کردستان برقرار می باشد. ما نمیخواهیم بگوئیم که اگر امروز سازمان مجاهدین در قبائل جناباات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان یک موضع انفعالی گرفته به افشاکری انقلابی و سی پروا دست زده و فقط

بعضی اوقات بدوزا زهرگونه تحلیل طبقه ای به ابراز تا فهای او ما نیستی و استفا نه در مقابل دولت بورژوازی پرداخته است، امری اتفاقی نیست و این سیاست انعکاس منحنی یک خط مشی متزلزل می باشد. سازمان مجاهدین خلق در در ان تقادات اصولی ما می پرسند:

"چه در رابطه با مسئله کردستان وجه در رابطه با سایر مسائل، مجاهدین تاکنون کدام اصل و پرنسپها می بخشند؟ مپریالیستی را منعت طلبانه یا "مملحت گرایانه" قریبانی کرده و یا بر سران حاضر به معامله نده اند؟" (هشتمادری

مستقیم با طبقه حاکمه اردوا و مرز آن نیروی طبقه ای که در این سیستم اعمال همیونی می نما بد بورژوازی لیبرال است و بعلاوه ما میدانیم که بورژوازی لیبرال نه قبل از قبا مضا مپریالیست بود و مپارزه مپریالیستی و فدراسم به داری وابسته به پیش میبرد و بسینس بعد از قبا مپریالیست به قدرت بورژوازی لیبرال پس از رسیدن به قدرت سیاسی در کنا ربخشی از بورژوازی کمپرادور در چا رجب همان نظام گذشته در جهت بازسازی سرمایه داری وابسته اقدام نمود، اساسا مناسبات استعماری با امپریالیسم را دست نخورده نگاه داشت، اساسا قراردادها و پیمان-

- اگر امروز سازمان مجاهدین در قبائل جناباات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان یک موضع انفعالی گرفته به افشاکری انقلابی و سی پروا دست زده و فقط بعضی اوقات بدوزا زهرگونه تحلیل طبقه ای به ابراز تا فهای او ما نیستی و استفا نه در مقابل دولت بورژوازی پرداخته است، امری اتفاقی نیست و این سیاست انعکاس منحنی یک خط مشی متزلزل می باشد.
- امروز برای هیچ انقلابی پیگیری سیستمی که در آن بورژوازی لیبرال قرار گرفته قابل دفاع نمیشد و هر دفاعی از این سیستم ضد انقلابی چه آگاه و چه نا آگاه، قریب دادن توده ها است. باید با صراحت تمام به طبقه کارگرتوده ما اعلام داشت که در مپهن ما مبارزه علیه امپریالیسم بدون مبارزه علیه بورژوازی حاکم حرف پوچ و فریبکاری است.
- سازمان مجاهدین خلق برای توجیه مفاصت خود با بورژوازی، توده های نا آگاه را به استمدا د می طلبد، ولی این سازمان آنچه را که نمی خواهد ببیند مقام و اهمیت جنبش انقلابی خلقهای مپهن ما بطور مشخص جنبش انقلابی خلق کرد می باشد.

های امپریالیستی را حفظ نمود، به خواستهای اساسی مردم زحمتکش ما جواب نگفت و تا در نوان خود داشت جنبشها و مبارزات را مورد بسوش ارتجاعی خود قرار داده و کارگروهقان و دانشجو و خلقها را به گلوله بست و البته بورژوازی لیبرال جز این نیز نمی توانست عمل کند و سیستم حاکم نیز جز این راه را، راه دیگری نداشت.

همین جا ما فکندیم که خرده بورژوازی مرفسه همدوش با بورژوازی در جهت تحکیم سیستم حاکم حرکت می نماید. خرده بورژوازی مرفه در مین گنگ رمانی به بورژوازی جهت بازسازی نظام سرمایه داری وابسته بطور فعال در سرکوب انقلاب و از جمله پورش به جنبش خلق کرد شرکت نموده است و این نیرو عملشان داده است که با لفعل فا قدر حرکت ضد امپریالیستی میباید اگر چه بین خرده بورژوازی مرفه و بورژوازی فساد - هائی وجود دارد، ولی در حرکت اصلی خود جهت سرکوب جنبش با یکدیگر توافق لازم را دارا می باشند.

واقعیت این است که امروز رژیم کنونی دقیقا رژیم کمپرادوری و دلال منشا نیست، ولی این نیز واقعیتی است که رژیم حاکم صرفا قدر گونه طرفیت ضد امپریالیستی و دمکراتیک میباید خود خط مشی رژیم و وابسته است. امروز در شرایط بحران عمومی جامعه امپریالیسم از طریق همین بورژوازی لیبرال است که میکوشد ما به گام موقعیت خویش را تثبیت نماید، امروز در شرایطی که بخشی از سرمایه داران کمپرادور از بین رفته و بخش دیگر آنها در هیئت حاکمه در بک موضع دفاعی قرار گرفته است، اساسا همین بورژوازی لیبرال میباید که زمینه را زگمشترش نسفود امپریالیستهاست و دلیل این امر خباثنهای همه - جا نیه یکسال و نیمه اخیر می باشد.

امروز برای هیچ انقلابی پیگیری سیستمی که در آن بورژوازی لیبرال قرار گرفته با سل دفاع نمی باشد و هر دفاعی از این سیستم ضد انقلابی بقیه از صفحه ۱۲

بپرامون جبر روی و جبر نامشی

حقیقت کدام است؟ آیا سازمان مجاهدین مصالح و منافع جنبش رها می بخش و در اینجا جنبش کردستان را با برخوردی مملحت گرایانه قریبانی نموده است یا نه؟

ریشه انحراف در کجاست

برای توضیح دقیقتر موضوع راست و انحرافی مجاهدین در قبائل جنبش کردستان لازم است تا نگاه کوتاهی به تحلیل مجاهدین از ما هیت هیئت حاکمه و دولت کنونی بیاندازیم. زیرا آن موضع راست رابطه مشخصی با تحلیل فرمینی و لیبرالی این سازمان از قدرت سیاسی دارد (۳).

سازمان مجاهدین در توضیح خود در باره مسئله کردستان راجع به قدرت سیاسی حاکم می نویسد:

"مطلق کردن نمادنا سیستم حاکم و نایدیده گرفتن مطلق مرزهای وحدت با بورژوازی کوچک حیزی جرابورتیسم و انحراف سست و سها تا بسود امپریالیسم خواهد بود". "لیکن اگر تمسیرات سیاسی احاطه رانانیده بگیریم و بخواهم عامدانایستیم موجود سیرجان بر خورد کنیم که گویا فقط جای عکسها عوض شده است. طبعیا بشنوا ه عظیم نموده ای مشروعت و حفا سبت (و لبر موضعی) سیستم را نایدیده انگاشته و به مواضعی انحرافی در خواهم غلطید" (همانجا)

نگته اصلی که در تحلیل مجاهدین به چشم میخورد اینست که سیستم رژیم حاکم مترقی، ملی و ضد امپریالیستی میباید. این تحلیل از اساسا نادرست است چرا که ما، دانیم سیستم سیاسی حاکم در بک کشور رابطه

- (۱) - پیکار شماره ۲۶ - ۳۰ مهر ۵۸
- (۲) - رجوع کنید به جزوه "هشادری پیرامون جبر - روی و جبر نامشی" از انتشارات سازمان مجاهدین.
- (۳) - تحلیل انحرافی مجاهدین از قدرت سیاسی در نوشته "سازمان مجاهدین خلق در دام توهیسات لیبرالی" مورد نقد سازمان ما قرار گرفته است.

جنبش کارگری



کارگران کوره پزخانه ها خواهان ۴۰ ساعت کار در هفته هستند

کارگران کوره پزخانه ها از جمله دستوارترین کار - هاست. کارگران ۸ تا ۵۰ ساعده در سخت ترین شرایط مجبورند روزانه ۱۲ تا ۱۵ ساعت بطور مداوم عسوق بربند. آنها که عمدتاً از اهالی روسا های خراساند، معمولاً تنبی از سال رادر جین شرایطی در کوره ها بکار میبرند و زندانهای خارج سالانه آن تا مین شود. کودگانی که می بایست در مدارس تحصیل مشغول باشند، از دست مفروضه آری ناچارند گوشه ای را از بازره بزندگی خا بواده خود را بدوش بکشند. دست - های نحیف کودگانی که می بایست پیش از هر چیز با نده و کتاب آشنا شود، روزانه بیش از ۱۲ ساعت با گیل و خاک سروکار دارند. حمل بنا لیمهای کدکاه هم وزن جودسان است آنها را ار همان اسدانه انواع دردها و سوزنده در دکمر میلا می سازد. ساعتی طولانی کار انرژزی ای در آنها باقی نمی گذارد مگر همان اندازه که جودزاده آلویکی که در خندق می محل کارشان واقع است، برسانند. کارگران کوره پزخانه ها از آنجا که دسترسی به یوسعدانی انرژی را ندارند و یکفتمه خودسان قیمت

کارگران مبارز کفش ملی، قاطعانه ۴۰ ساعت

کار در هفته را بمورد اجرا گذاشتند

۴۰ ساعت کار در هفته از جمله خواسته های است که کارگران مبارز ایران سدار زما مبرکوه بهیمن ماهمواره بر آن پای فترده اند و در حد مورد نیاز توانسته اند آنرا به سرمایه داران و دولت حامی آنها بقبولانند.

مثلا کارگران مبارز کفش ملی (ه) سدار زقاسم پنخنده ها را تعطیل نموده و اعلام کردند که در هفته بیش از ۴۰ ساعت کار انجام نمی دهند. اما هیئت مدیره گروه برای جلوگیری از گسترش حرکت کارگران مبارز (ترکشی که ۴۰ ساعت کار در هفته را پیاده کرده اند) در سایر کارخانه ها، همواره می گویند که این دستاورد را از کارگران بی بگیرند.

آنها اول اردیبهشت اعلام کردند که کارگران با یستی بجای ۴۰ ساعت کار در هفته ۴۵ ساعت کار انجام دهند و مستورا برای این عمل ضد کارگری زمان رفتن سرویس کارگران را یکساعت دیرتر از روزهای قبل اعلام کردند.

کارگران مبارز با قاطعیت تمام مثل هر روز دست از کار کشیده و پای پیاده، بجهه بغل و خواروبار بدست برای رفتن به خانه، بطرف درخوجی بسراه افتادند. هیئت مدیره ناگزیر و بسوا هر تسلیم خواسته کارگران شده و ساعت ۲ سرویس در اختیار آنها می - گذارد. اما پشت پرده همچنان به توطئه جینی ادامه میدهد. آنها بعدا اعلام می کنند که کارگران شرکت - ها ش که ساعت ۲ دست از کار می کشند باید کسره (بدون وقت ناها) را تا ساعت ۲ و ۱۵ دقیقه کار کنند. یعنی سه ربع بیشتر از روزهای قبل، که مورد قبول کارگران قرار نمی گیرد. و با اینکه به کارگران سفید در صفحه ۱۷

انسان مرفعی در محل از شهر همگراست، خیلی زودتر از آنچه تصور نمود، بیرون کشیده میشوند. امراض انگلی و عفونی بدلیل نبود امکانات بهداشتی و کار مداوم در محیط آلوده، همواره سلامتی آنها را تهدید میکند. و این در حالی است که کارگران از مزایای بیمه برخوردار نبوده و ناچارند خود مخارج دارو و دکتر را بدوش بکشند.

کوره های محمودآباد در شرق تهران از جمله این کوره پزخانه ها است. کارگران این کوره ها نیز عموماً از روسا های خراسان اند که با خانواده های خود، زن و کودک، بیرون جوان در یکجا کار میکنند. آنها چهار نما بنده در سدیگا دارند که هرچهار نفر استا دکارند و نه کارگر. بنهمن دلیل برخی از کارگران در رفتن - های خود به مکان سازش بین نما بندگان سدیگا. و کارفرما انا رهمی کنند، و اگر چه معتقدند که نما بندگان سدیگانی بایست از خود کارگران باشند، ولی بدلیل بی سوادی و پاشین بودن سطح آکاهی بناچار نما بندگی آنها را پذیرفته اند.

کارگران کوره های محمودآباد در آخر بیست و اعتماسی که در دو هفته قبل بخا طرا فزایش دستمزد داشتند، بمدت سه روز دست از کار کشیدند. تا اینکه کارفرما پذیرفت که در مقابل هر هزار آجر بجای ۷۰ تومان مدتومان بپردازد. از آنجا که دستمزدها نه بر حسب روز کار، بلکه بصورت کارمزدی پرداخت میشود، لذا ساعات کار بسیار طولانی است و کارگران زحمت - کش کوره ها بخا طرا اینکه میاد در مقابل افزایش سریع قیمت ها خدافل قدرت خود را ادرست بدهند ناچارند هر چه بیشتر کار کنند. در حال حاضر پرداخت مزد بر حسب روز کار ۴۰ ساعت کار در هفته از مهمترین خواسته های کارگران کوره پزخانه ها است که میبایست دست در دست هم در شرایط با سایر کوره پزخانه ها، بخاطر تحقاق این خواسته ای اقداماتی به مبارزات خود وسعت بخشند. ■

اعتصاب کارگران مبارز شرکت «ایران پروکتر»

زاهدان
کارگران شرکت «ایران پروکتر» از آنرا رسوخ ۵۹/۲/۱۵ در محل شرکت دست به اعتصاب زده اند. خواسته های کارگران مبارز «ایران پروکتر» عبارت است از:
۱ - پرداخت حقوق فروردین ماه کارگران
۲ - پرداخت حق مسکن، حق اولاد و ادان خواروبار
۳ - تهیه بچ برای کارگران
۴ - منحصر کردن سرپرست و مسئول برای شرکت. (بمنقل از نمردیلوخ شماره ۲۳، ارگان اتحاد زحمتگان بلوچستان)

«نیروی مقاومت» ابزار دیگری برای سرکوب کارگران

خا به ای که جودسان در آن کار میکنند، از دیگر وظایف این افرادی باند. به کارگزارانی که به ترتیب مذکور خود را در اختیار سپاه پاسداران قرار می دهند، ما هابه میلفسی بعنوان «پاداش» سرکوب همزحمتان پرداخت می - کردد! اما هدف از آموزش «ایدئولوژیک» سرپرستار روشن است. سنتوی مغزی و تحریک احساسات مذهبی این نوع کارگران علیه کمونیست ها و حتی نیروهای مذهبی مترقی چیزی که بیش از یکسال است با آن آشنا می داریم. هدف از این نوع آموزشها این است، که بجای معیارهای طبقاتی، معیارهای فشری و دکما تیک مذهبی را در ذهن افراد مورد نظر خا ی دهند. در این آموزشها افراد، این ایده و فکر القا میشود که ما معمه نه بر اساس طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر، بلکه بر اساس اسلام و کفر بنا شده است. این نوع کارگران بجای اینکه دشمن اصلی خود را امپریالیسم جهانی و نظام سرمایه داری وابسته

اخبار رسیده حاکیست که سپاه پاسداران از کارخانه ها خواسته است که هر کدکام چند نفر کارگر معتقد به جمهوری اسلامی ودا و طلب همکاری با سپاه پاسداران را معرفی نمایند. در این رابطه چندین کارگزار چند کارخانه سحاب شده و طی تنبی درمقر سپاه به آنان گفته اند که سپاه پاسداران تصمیم دارد با استعداد آنرا، تشکیلاتی بنام «نیروی مقاومت» بوجود آورد.

این عده در حالیکه در کارخانه مشغول کارند، روزهای بیخوشیه و جمعاً از طرف سپاه آموزش های نظامی (وسا) احتمال ربا دایدئولوژیک می بینند. یکی از وظایف افراد «نیروی مقاومت» اینست که هر وقت در کارخانه های منطقه محل کارشان اعتصاب، تحصن یا درگیری پیش آید و به آنها از طرف سپاه اطلاع داده شود، باید بلافاصله خود را به نزدیک ترین مقر سپاه و با کمینته ای که قبلاً تعیین شده برسانند و بعد از گرفتن اسلحه و لباس (برای سرکوب کارگران بیرون شنا شای و معرفی کارگران مبارز خدافل در کار -

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

برنامه عاجل ارتجاع، کشتار کمونیستها

سوطنه‌سراسری ارتجاع برای سرکوب و خنثی‌ساز
انقلابی (سوپر انقلابیون کمونیست) اکنون
شکل آسکارتری خود گرفته است. در هر گوشه و کسار
ایران سوطنه‌های عملی این توطئه بچشم می‌خورد. یکی
از سوطنه‌های ارتجاع، سوطنه بلوچستان است.
ایضا در حکمکان بلوچستان "با استتار و علامه‌های
دسته‌های رزم و ارتجاع محلی را در جهت سرکوب
معلمان و دانش‌آموزان انقلابی، بخلق زحمتکش
بلوچ هدایت کرده است که ما اینجا قسمتهای از این
انگلس‌راسل می‌کنیم:

هشدار

مدتهاست دشمن خلق بلوچ اعمال مملو بهای
حاش و بیاداران و جها دبه‌های مزدور و حاسوس...
دندان روی حکرا گذاشته و با هدف لیبتهای انقلابی
معلمان و دانش‌آموزان در میان خلق بلوچ می‌باشند.
آنها با سوءنیت فعالیت این فرزندان راستین
خلق را که در جهت آگاه کردن خلق بلوچ و توده‌های
زحمتکش بود می‌دیدند و بر خود می‌لرزیدند. دشمنان
خلق می‌دیدند که هر روز غده سینه‌تری از توده‌های
سختک‌آگاه و مسودیه‌ها هیت عدم‌دمی آنها و
هیت خاک‌همی می‌بردند و از آنها روبرو می‌گردانند.
دشمن خلق می‌دیدند که مواج جنبش انقلابی هر
روز در بلوچستان قدرت بیشتری می‌گیرد و ارتجاع
را روبرو می‌کند، آنها می‌فهمند که هر چه
سوده‌ها سیر آگاه و سوند ریشه ارتجاع ست‌تر می-
شود... خراب‌تر شد!

اکنون اینها قصد دارند بلافاصله بعد از تعطیلات
مدارس اقدام به دستگیری معلمین و دانش‌آموزان
انقلابی نمایند. علاوه بر این آنها کم‌کم آداره
آموزش و پرورش در سطر دارند و آداهای از معلمان را
اخراج کرده‌ای را سعی و عده دیگری را منتظر خدمت
نمایند.

طبق اخبار رسیده، مولوی‌های مرتجع، جها دبه‌ها
با ناداران، اسنادار، بعضی از مسئولین آموزش و
پرورش بعضی از فرمانداران شهرها در جلسات
سعد و کویا کویا که در مدتها قبل داشته‌اند، این
تعداد کسده و سحوا همدین از نام‌ها متخاصمات
مدارس، آرایا کسده، حالبا اینها ست که خود
این مردوران را سر ملا کردن این نقشه باکی هم
ندارند. برای نمونه چند روز پیش مولوی "قمرالدین"
اسا و یکی در ورو همکاران ناداران و جها دبه‌های امروز
در ارا سهر (طولی) یک دانش‌آموز را گرفته و به او
می‌گوید: "سندها م که تو با دانش‌آموزان کمونیست
ارتباط داری، مواظب خود باش که تو هم گرفتار
سوی مولوی نمرالدین امانه می‌کنی: " خیال
کرده اند که ما همچنان ساکت می‌نشینیم کمونیست.
ها چرا در لسان حواس، بکنند؟ ما فقط منتظر هستیم
با نادان سطل سوبدا هم معلمان و دانش‌آموز-
ان را که ساسانی شده‌اند و ایمان پیش ما ست دستگیر
نمایند و بر اساس آن کف دشمنان بکداریم. مولوی
نمرالدین امانه می‌کند: "الان نمی‌توانیم آنها
را دستگیر کنیم چون دانش‌آموزان را طرف خود
کسده اند و آنها خطا هرات می‌کنند و لی بعد از تعطیلی
مدارس اقدام می‌کنند."

فاشیستهای ترکیه، مهمانان بنی صدر

روزنامه‌های پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت خبر دادند
که "ارباکان" دبیر حزب راستی و فاشیستی و
شیداً "اسلامی" سلامت ملی (رستگاری ملی) ترکیه، در
روزهای آینده مهمان آقای بنی صدر خواهد بود و طی
دیدارشان از ایران با آیت‌الله خمینی و قطب زاده و
سپهتشی ملاقات خواهد داشت. اگر این خبر را در کنار
سخن بنی صدر در روزهای اول ریاست جمهوری سش
بگذارید که گفت: "ما خواهان اتحاد با ترکیه هستیم"
گرایش عمده سیاست خارجی ایران - که البته
انعکاس سیاست داخلی است - روشن‌تر می‌شود.
"ارباکان" در رأس حزب فاشیستی "رستگاری ملی"
که اساساً از سوی فیودالها و بورژوازی کمپرسا دور
ترکیه حمایت می‌شود و یکی از عمال سرپرده امپریا -
لیسم آمریکا در ترکیه (و کلادار منطقه) است، چه نقطه
مستترکی با رهبران ایران دارد؟ او یکی از سازمان
دهندگان اقدامات تروریستی کور علیه نیروهای
انقلابی و مترقی ترکیه است که هر ساله خون مدها تن
از آنها را می‌ریزد. ارباکان و حزب او از دشمنان
قسم خورده نیروهای انقلابی است که مستنداً زیر سلوای
مذهب - آنها هم به ارتجاعی ترین شکل آن - توده‌های
ناآگاه را از مسیر اصلی مبارزه شان که علیه فیودالها
و سرما بداران وابسته و امپریالیستها با بدبا شد
منحرف کرده، لبه تیز حمله شان را بسوی چپ و نیرو -
های مترقی برگردانند. حزب ارباکان در کنار دیگر
احزاب فاشیستی ترکیه یعنی حزب عدالت (برهبری
دمیرل) و جنبش ناسیونالیست (برهبری البارسلان
ترکش) که یک حزب نشوفا شیت است راست‌ترین
جناحهای حاکم در ترکیه را نمایندگی می‌کند و در
مجلس ملی و حکومتی اشتقاقی ترکیه همواره نقش
حامیان منافع امپریالیستها را ایفا کرده است.

همانگی فعالیتهاشان
۲ - با توجه به اینکه فیودالی حزب "رستگاری ملی"
و نفوذی که این حزب در دهات بویژه در روستاهای
شرقی ترکیه که گردنشین اند، دارد و با توجه
به اینکه این منطقه از لحاظ جغرافیایی جزو
کردستان (ایران و عراق و ترکیه) بشمار میرود،
سفر ارباکان میتواند در درازمدت سرکوب مبارزات
خلق کرد و جلوگیری از همکاری بین کردهای
ترکیه و ایران بویژه در این مرحله حساس که
خاموش کردن کردستان از اهداف درجه اول
آقای بنی صدر در رژیم جمهوری اسلامی است موثر
و مفید قلمداد شود.
در پایان این یادداشت یادآوری این نکته
لازم است که سیاست خارجی رژیم از ابتدای روی کار
آمدن همواره توده در جهت تقویت روابط انقلابی بین
خلقهای ایران و جهان - که اساساً نمی‌توانست هم
باشد - بلکه علیرغم دعا‌های حمایت از جنبشهای
آزادبخت، در جهت ایجاد روابط مستحکمتر بین
مخالف ارتجاعی منطقه بوده است نظیر روابط بین
حزب جمهوری اسلامی و اخوان المسلمین (در کشورهای
عربی و افغانستان) و حزب الدعوة (در عراق) و جامعه
العلماء (در پاکستان) و امثال آن و اخیراً پای حزب
فاشیستی و شیداً "اسلامی" - رستگاری ملی ترکیه
نیز به این میدان با زنده شده است. سیاست "نه شرقی"،
نه غربی "هیئت خاک‌هم" جز این هم نیست. اما توده
- ها اگر آگاه باشند نخواهند گذارد این چنین بنا
سروششان بازی شود.

ترکیه و امریکا قرارداد دفاعی امضا کردند

آنکارا - خبرگزاری فرانسه -
ترکیه و آمریکا امروز قرارداد
همکاری دفاعی تازه‌ای امضاء
کردند که بویژه از امریکا
قادر خواهد بود از پایگاه‌های
ترکیه بطور دائم، الترحیت
نظر افغان ترک، استفاده کند.
بویژه این قرارداد امریکا
قادر خواهد بود از برخی
از پایگاه‌های نظامی ترکیه در
پشتی و موارد نیز استفاده
کند. این پیمان نامه همکاری

(کنیا ۱۵ فروردین ۵۹) - این است ترکیه‌ای که
آقای بنی صدر خواستار اتحاد با آن است.

از سرنوت دوستانتان آگاه شوید و بعضی اینکه برای
آنها مسئله‌ای پیش آمد، آنرا بطریق مختلف از جمله
تخص، نظا هرات و... افتاء و خنثی کنید.

۲ - برای استحکام ارتباطات خودتوانایی
اقدامات مبارزاتی مختلف متشکل شوید و تشکلی
خود را تقویت کنید، ارتباط خود را با دیگر تشکل-
های موجود و نیروهای انقلابی مستحکم کنید.

۳ - در رعایت مسائل امنیتی بکوشید و از
فعالیت بی‌دروپیکرو غیر منضبط اجتناب کنید تا
مورد شناسایی مرتجعین قرار نگیرید.

۴ - در صورت دستگیری یا... برخورد مقاومت -
جویانه و وقایع شما جلوگیری از شناسایی ارتجاع از
دوستان و همفکران شما، به استحکام و ادامه‌کاری
مبارزاتی تشکلهای دانش‌آموزی و معلمی کمک
بمبارشی می‌نماید.



خلق ستمدیده بلوچ! زحمتکان سیمانی!
با افشای توطئه‌های ارتجاع از هر طریق ممکن،
با اعتراض همه جا بنده سیاستهای سرکوب هیئت
حاکمه علیه دانشجویان انقلابی، خلق قهرمان کرد و
سایر توده‌های زحمتکش و آگاه‌ها روبرو کردن ما هیئت
پلید مولوی‌های جیره‌خوار را واک، با ساداران
جناکتار و جها دبه‌های مزدور و سار بر مرتجعین خود -
فروخته‌بیماری فرزندان دلار خود بر خیزید.

۱ - احیا و رونق بخشیدن به پیمان همکاری منطقه -
ای (A.C.O.) که در زمان راه در جها روج هدفهای
پیمان سنتوس ایران، ترکیه و پاکستان بسته
شده بود.

۲ - مذاکرات برای همکاری‌های سترترین ایران
و ترکیه در جها روج هدفهای مشترک "اسلامی"
در میان رزها و جگیری جنبش انقلابی چپ و

معلمین و دانش‌آموزان آگاه و انقلابی!
ضمن افشای توطئه‌های رنگارنگ ارتجاع و
اعتراض به سیاستهای سرکوب هیئت حاکمه و ارتجاع
محلی و روبرو کردن ما هیئت دشمنان خلق، با بدو ظایف
زیرین را جهت حفظ و تحکیم و تقویت جنبش انقلابی
در منطقه بخاطر داشته‌اند:

۱ - با محکم کردن و حفظ ارتباطات بین خود،

سندج برای پیشمرگان رزمنده مطرح ساخت. این عقب نشینی صرفنظر از مومن نگا داشتن مردم از سماران و تجدید قوا برای حفظ پستوها عظیم بوده. ای پیشمرگان! اجتناب تا پذیر می نمود. همزمان با این وقایع هیئت حاکمه نیز از پناهنشسته و از هرگونه تبلیغات دروغین و فریبکارانه در جهت سرکوب خلق کردیم. جویبار از تشبیب جنازه‌های تحریک آمیز تا بسیج توده‌های نا آگاه بر علیه خلق کرد. از شهیدنمایی تا اعمال "فاطمیت" و در واقع "فاطمیت" از آنها مواجستگی زدن به خلق کرد تا سماران از خلق جدا شده میبند.

سیاست هیئت حاکمه

نسبت به نیروهای سیاسی در کردستان

سیاست رژیم از ابتدای تهاجم جدید به کردستان همانطور که در شماره قبل پیکار و در بالا متذکر شدیم عبارت بوده است از جدا ساختن خلق کرد از پیشمرگه‌ها از طریق سماران و گلوله باران مناطق مسکونی مردم در شهرها و روستاها. همانطور که گفتیم رژیم در این موردها سندان کتیک اسرا شیل در جنوب لبنان عمل میکند و مقصد اردبیل به خاک و خون کشیدن مردم و خراب کردن خانه و کارخانه‌ها است. آنها به آنان بهیچانند که حمایت از پیشمرگه‌ها برای ایشان "گران" تمام میشود! اما خلق کرد در همین ۴ - ۳ هفته نشان داد که همچون دریا که ماهی‌ها را در درون خود حفظ میکند، پیشمرگه‌ها را در خانه و کارخانه، بود در شهر و روستا جای میدهد و با تمام قوا از آنها حمایت می‌نماید. آری، حتی هر دانش آموز دبستانی میداند که بدون حمایت فعال مردم نمیتوان بیش از سه هفته در شهر و آنهم در مقابل توپ و خمپاره و راکت و... مقاومت کرد و در واقع این خلق کرد بوده که به دشمنان خود حالسی کرده است که برای رسیدن به آرزوهای خام خیالانه خود چه بهای گزافی باید بپردازند و سراسر انجام نیز این بقیه در صفحه ۹



اراده انقلابی خلق قهرمان کرد، ما شین سرکوب ایشان و پناهنشان را

بدا نگونه که تفاهای عاجزانه بنی مدارا گروهبی سیاسی مسلح در کردستان، برای ترک محاصره و گذاشتن سلاح بر زمین با سخنان مسئول سپاه پاسداران در کیهان ۱۷ اردیبهشت، مبتنی بر عدم قبول آتش-بس و انتقاد محوئی از خلق کرد در تها در قرا میگیرد. دامنه این اختلاف در ارگانهای سرکوب یعنی ارتش و پاسداران نیز مشهود است و موجب شکافی گشته است که رژیم را در کردستان در یک بن بست نسبی قرار داده است. این شکاف از یک طرف ناظر بر اختلاف در تاکتیک و نحوه گشتا خلق کرد است و از طرف دیگر بر تارخاتی بخشی از پرسنل نظامی، از گشتا خلق کرد و اداه جنگ استوار است نمودهای این ناراضیها را ما می توانیم در مریخی اجباری سربازان پادگان سندج، قرا سربازان از پادگانها، بیوستن تدریجی نظامیان با مهمات و اسلحه به پیشمرگان بطور مشخص در سندج و در همین اواخر ضمن پرسنل مبارز پادگان "خوی" جهت اعتراض به اداه جنگ در کردستان، جستجو کنیم. رژیم برای ترمیم این شکاف به تکیا بومی اقتصاد و سراسر آن روز ۵۹/۲/۲۱ "اوشیفت" از طرف بنی مدرما موری شود که در سندج "نیروهای مسلح" (ارتش و پاسداران) را از لحاظ عملیات و اجرای دقیق و فاع آنها هماهنگ کند.

اکنون تها جو حسیا نه رژیم به کردستان ابعاد تازه ای بخود گرفته است. اگر چه سندج در تصرف ارتش مزدور و پاسداران خدا تقلاب قرا ر گرفته است، اما برخلاف تبلیغات دروغین رژیم پیکار خونین خلق کرد همچنان ادا مه دارد. عقب نشینی کنونی پیشمرگان قهرمان در سندج بماند یک تاکتیک در عرصه نبرد با بد در نظر گرفته و بنا بدستوان نکستی برای خلق کرد تلقی گردد. چرا که پاسداران و ارتش ضد خلقی تصمیم به قتل عام وحشیانه ای گرفته بودند و بدین ترتیب ادامه مقاومت در شهر بسیار مشکل و بی قیمت جان بسیاری از مردم سندج تمام میشود. این مسئله ضرورت عاجل عقب نشینی را عمدتاً بنا بر حفظ جان مردم پندفادع

جرا بس نداری!

هدف رژیم از بمباران مردم بیدفاع

در کربیهها همچنان ادا مه داشت. پیشمرگان قهرمان با حملات موضعی خود، ارتش را در تنگنا شتی سخت قرار داده بودند. بر اثر تحمل ضربات بی دربی ارتش، رژیم در جهت تقویت آن، ستونهای نظامی جدیدی به کردستان اعزام داشت اما بیشتر این ستونها توسط پیشمرگان قهرمان با خلق شده و با از بین رفتند. سوازن قوا در این مواقع اگر چه بیست پیشمرگان خلق کرد سنگینی داشت اما در جاهای دیگر، ارتش سر مردم سدفاع را بر سماران فانتومهای آمریکائی قرار داده بود. این عمل دوهف عمده و ادنیال میگرد.

اول - فرسودن نیروهای پیشمرگه: این تاکتیک صرفنظر از کاهش کمی پیشمرگه‌ها در صحنه نبرد مواضع جدیدی را برای ارتش بدست می آورد چه حصول به مواضع جدید در محلات فقیرترین محرای نفوذ داخل شهر را برای ارتش تسهیل می نمود.

دوم - ایجاد بی اعتمادی مردم نسبت به پیشمرگه‌ها و خواستن ترک محاصره: رژیم با گلوله باران و سماران محلات فقیرترین (باراکت) و گشتا مردم سدفاع در بی تضعیف پیشمرگه‌ها میخواست مردم را به ادا مه ببرد بدین ساخته و با ایجاد نوعی بی اعتمادی بین مردم از پیشمرگه‌ها، پیشمرگان را منفرد سازد و سواذ آنها را سهولت از عرصه پیکار خارج سازد. لکن نبرد قهرمانانه مردم بهمرا هی پیشمرگان رزمنده با سربوهای مدخلی، تاکنون رژیم را در تحقق این اهدافش موفق نشاخته است.

شکاف در ضد انقلاب

بدون تردید سقوط سندج مرحله پایانی پیکار انقلابی خلق کرد نمی باشد. چه پیشمرگان قهرمان با پستوها نده ای خود، همچنان به مبارزه مسلحانه خود ادا مه خواهد داد. به موازات نبرد پیشمرگان، سوده‌های زحمتکش کرد بطور مشخص در سندج انکسار مختلف مبارزه را سکارخا هند گرفت. این مبارزه که با رتوده‌ای و بنائسل انقلابی خاصی دارد بر یک زمینه همبستگی بین خلق کرد استوار است لذا می تواند از زتداوم مشخصی برخوردار باشد که سیر روبه اعتمالی جنبش شده‌ها در سراسر ایران و ارتقا یافتن سطح آگاهی آنها در جهت همبستگی با خلق کرد، مدت این تداوم را تعیین می کند.

سما بر این، رژیم در کردستان و بطور مشخص در سندج بسا انکسار مختلف مبارزه رو بسرو خواهد نمود و بسبب آن نخواهد توانست موقعیت تثبیت شده ای در آنجا برای خود کسب کند. مقاومت دلیرانه خلق کرد در مقابل تهاجم اولیه رژیم در سال گذشته صحت نظریه راه پناهنش تا رسا نند. اما این، یک جانب نسبت مسائل مربوط به موقعیت رژیم در کردستان است. حسیه دیگر، معطلات جدیدی است که رژیم با آنها دست بگریسان است. چرا که علاوه بر مقاومت دلیرانه خلق کرد و مقاومت بر حمایت وسیع کمونیستها و توده‌های آگاه از خلق کرد، شکافهای درونی هیئت حاکمه نیز به ضعف موقعیت رژیم در کردستان دامن میزند.

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

جامعه ما به کدام سو می رود؟ (۲)

وظایف نیروهای آگاه در برابر این اوضاع

در شاره گذشته ضمن توضیح ناگزیری جنگ داخلی - به مفهومی که میان کردیم - زمینه ها و عوامل عمده ایجاد و تشدید کننده این "جنگ" را بر - شمردیم و نشان دادیم که تا کنون هیئت حاکمه در جهت دامن زدن به این جنگ داخلی بخاطر طریقه انحسار فکشانند مبارزه واقعی طبقاتی و ملی بوده ها ، بر چنین زمینه ای اثرات عینی و ذهنی موجود استوار است . در این جا می گوئیم ضمن اشاره به نکات دیگری از این وضعیت و تا کنون هیئت حاکمه ، وظایفی را که از فصل وضع موجود بعد از کمونیستها فراموش می گردید ، بازگو می کنیم .

این روزها از حافل مختلف هیئت حاکمه و سردمداران آنان ، این نغمه بسیار رسکوش می رسد که برای مقابله با امپریالیسم و تجاوز آن ، برای مقابله با "تجاوزات عراق" و عوامل مزدوران داخلی آن "با بد از "تفرقه" و "تشنج" جلوگیری نمود و وحدت داخلی "را حفظ نمود . می شنویم که میگویند هرگونه "درگیری" در داخل و هرگونه اقدامی در جهت "تضعیف" حکومت جمهوری اسلامی "سودا امپریالیسم آمریکا" - "سودا می شود . . . و پس نهدید می کنید که هر "کس" و "هر "نیروئی" که در چنین چیزی کام بردارد ، "مدا انقلاب" محبوب می شود که ما ندانید "سرکوب شود ؛ و از مردم می - خواهد که برای مقابله با این "مدا انقلابیون" "سیخ" - "سد" در این خصوص ، بسی مدبریکترین و برجسته - رس مبلغ این "وحدت" و "سرکوب" می باشد . اگر بخوانیم مفا هم و افق می بینیم در این

عبارت را با سربون کتسم ، و کردار واقعی ملتغیبین آن را ملاک و معیار رتقمیرا این عبارت و مفا هم قرار دهیم بی هیچ ابهامی در خوا هم یافت که در پس این عوا مفریبی و ربا کاری ، سیاسی نهفته است که مکمل همان سیاسی است که هفتده پیش از آن نام بردیم . تا مین "وحدت داخلی" و "دموت به برهیزر از "تفرقه" و "تشنج" چیزی نیست جز اولاً : ایجاد یک - پارچگی و انتظام در هیئت حاکمه و قدرت سیاسی ، و ثانیاً و مهمتر از آن ، جلوگیری از شکل گیری و رشد و گسترش مبارزه طبقاتی ، مبارزه جدی و بیگیز حجت - کتان بر علیه مفا هرواقعی و اصلی ستم طبقاتی و ملی یعنی نظام سرمایه داری و استعواظ مفا سیاسی پادار آن و در این مسیر ، آن چیزی که پیش از هر چیز هیئت حاکمه را ساری می دهد ، بلند کردن پرچم دروغین مبارزه با امپریالیسم آمریکا و مبارزه با تجاوزات رژیم فاشیستی عراق است . پرچم دروغینی که نه تنها بخش وسیعی از توده های نا آگاه ، بلکه نیروهای دموکرات و جنبی بخش های از جنبش کمو - نیستی را نیز به توهم و خوشاموری ساده لوحانه وا - داشته است !

همانطور که گفتیم بی مدبرانه روشهای سیاسی خاص خود بخصوص پرچم را از علی این سیاست عوام - فریبانه است .

اعمال این دو سیاست به موازات یکدیگر از جانب هیئت حاکمه ، یعنی از یکسودا من زدن به تفادهای فرعی و کاذب در جامعه ، ایجاد تفرقه و در - گیری میان بخشهای مختلف جنبش توده ای و گسترش تشنج و جنگ داخلی بدین مفهوم و از سوی دیگر فراموش کردن مردم بدست کشیدن از مبارزه طبقاتی و انقلابی

مبارزه بر تافتهای واقعی در جامعه و کوشش برای ایجاد امنیت سرمایه و به بیان آخر طبقه کسری از تشدید مبارزه طبقاتی ، جلوگیری از تشنج بدین مفهوم این هدف را نیز دنبال میکنند که دموکراتها سیاسی منزلی را که دستخوش سیاست و توهانات لیبرالی هستند ، و اتفاقاً از با به وسیله هم برخوردارند ، به سمت خود کشاند و متقابلاً انقلابیون کمونیست را که

خط مشی تاکتیکی درست به جانب راست و یا چپ ، دقیقاً و علیرغم تمایل و اراده ما ، جهت حرکت تافته را از راستی که مدنظر ما است دورتر می سازد و هر چه بیشتر سستی سوق می دهد که ارتجاع بر آن تمایل دارد و در این راه تلاش می نماید .

ظرافت این تاکتیک و سیاست ، دقیقاً از آنجاست که از یک سو میتوان میان دو مفهوم سیاسی تشنج ، بدان معنای که میان کردیم ، یعنی میان تشنج به مفهوم جنگ داخلی و برادرگی از یکسو و مبارزه طبقاتی از سوی دیگر ، که اکنون این چنین در هم آمیخته شده

● کلید اصلی اتخاذ سیاست و تاکتیک صحیح و مناسب درک صحیح و همه جانبه از این اوضاع و آگاهی یافتن برجست گسترش تضاد های اجتماعی است .

● دو مفهوم کاملاً "متفاوت" تشنج " غالباً " باید یکدیگر در هم آمیخته می شود . یکی به مفهومی که رژیم بکار می برد و از آن چیزی جز نفی و خاموش کردن مبارزه طبقاتی را در نظر ندارد و دیگری به آن مفهوم که نیروهای آگاه باید در نظر داشته باشند یعنی جلوگیری از گسترش جنگ داخلی و برادرگی ، و رشد تضاد های کاذب و فرعی و رود روی توده ها در مقابل یکدیگر است .

● مبارزه طبقاتی در جوامع مختلف و یا در یک جامعه در شرایط مختلف ، هیچگاه مسیر واحد و یکسانی را نمی پیماید .

● دعوت توده ها به عقب نشینی در برابر ارتجاع ، تحت انگیزه جلوگیری از "تشنج" و جنگ داخلی ، ارتجاع را ایجاد و تشدید "تشنج" و جنگ داخلی جری تری می نماید .

است و غالباً با یکدیگر مخلوط می گردد ، مزدقیق و روشنی برقرار کرد و این دو را از یکدیگر تفکیک نمود . مخلوط این دو موضوع و دوروند حرکت تضادهای جامعه است ، که غالباً انحراف به "چپ" و راست را در عرصه سیاست از جانب برخی نیروهای انقلابی باعث میشود ، و از سوی دیگر ، رابطه ناگزیر و اجتناب ناپذیری را که در شرایط کنونی جامعه ما میان این دو ایجاد شده است و به ناگزیر آنها را به یکدیگر پیوسته کرده است ، درک نمود ، و بتوان در - یافت که حرکت و عملکرد مجموعه شرایط و عناصر اجتماعی ، سیاسی ، ایجاد کرده است که مبارزه طبقاتی از مجرای سرور تشدید یک جنگ داخلی عبور نماید . مسیری که اگر چه مطلوب نیست و شرایط دردناکی را بر جریان مبارزه طبقاتی و ملی توده ها تحمیل می - نماید ، اما اجتناب ناپذیر و غیر قابل پرهیز است . درک این دو نکته سیاسی است که میسوا ند ما را در اتخاذ تاکتیک و سیاست صحیح رهنمون سازد .

مبارزه طبقاتی در جوامع مختلف ، و با درنگ جامعه در شرایط مختلف ، هیچگاه مسیر واحد و یکسانی را طی نمی کند . مجموعه شرایط عینی و ذهنی در یک جامعه و شرایط معین ، و عملکرد مجموعه ای از تضادها و عناصر اجتماعی و سیاسی ویژه گنهای خاصی به روند حرکت اوضاع سیاسی و مبارزه طبقاتی در یک جامعه می بخشد . برای اتخاذ تاکتیک و سیاست درست با بد این ویژه گنهای تضادها و عناصر معین را دقیقاً شناخت . این ویژگیها در شرایط ما چنین حکم کرده است که مبارزه طبقاتی در جامعه و در این مقطع معین از مجرای یک جنگ داخلی عبور نماید . درک این نکته اساسی شرط اصلی حرکت آگاهانه در این اوضاع بحرانی جامعه است . اراده و تمایل ما فا در نیست

این روند را میسوف از دو مسیر انکشاف مبارزه طبقاتی را یکی تسخیر جهت دهد . اما می توان با یک حرکت آگاهانه ، فرارسیدن مبارزه طبقاتی را از درون جنگ داخلی تحمیل شده ، سرعت بخشید ، با سرعت و

در منی خود یکپوراً ثبات هستند ، به انزوا کشاندند سرکوب آنها با دست باز و فراغ بال بیشتر افساد نماید .

بدین ترتیب آنها به ما هرا نه ترین و فریبکار - نه ترین تکی سیاست خود را در پیوش اختلاف دو مفهوم و مسئله سیاسی به پیش می برند ، از یکسو به جنگ داخلی و برادرگی دامن می زنند در حالیکه در تبلیغات وسیع و گسترده خود نیروهای انقلابی و مخصوصاً انقلابیون کمونیست را مسئول این جنگ و برادرگی می دانند و از دیگر سو با استفاده از تمایل و سبزیاری توده ها از جنگ و برادرگی و رشد تضادهای فرعی و کاذب ، و برساندن نیروهای دمو - کرات اما منزلی ، از این روند اجتناب ناپذیری که خود بدان دامن میزنند ، می گویند . تا کنون مبارزه طبقاتی را خاموش نمایند و با حداکثر انحراف بکشاند ، و نیروهای دموکرات را از رخنه مبارزه طبقاتی خارج نمائند و به یلگانی برای تسخیر است اوضاع مشتت درونی خود و قوام دادن به پای بهای قدرت خود تبدیل نمایند .

تسلیم طلبی و سازگاری دموکراتها می همچون سازمان مخادین ، که هدف اصلی این سیاست فریب کارانه هستند ، به بیشتر جنبی سیاسی ، عملاً باری می رسند ، و ارتجاع را در اعمال تاکتیک های خائسانه خود جری ترمی سازد .

روند اوضاع جامعه و سمت سوی آن ، بیش از هر زمان دیگری ظرافت و دقت در سیاست و تاکتیکهای نیروهای انقلابی و سبزه انقلابیون کمونیست را طلب می کند و نقش عمود ذهنی را برجسته مینماید . کلید اصلی اتخاذ این سیاست و تاکتیک مناسب و صحیح درک صحیح و همه جانبه این اوضاع و آگاهی یافتن برجست گسترش تضادهای اجتماعی است . بدون این ارزیابی و درک صحیح ، هیچ بخشی از یک سیاست و تاکتیک صحیح و متناسب نمی توان میان آن آورد . چرا که هرگونه انحراف از یک سیاست

لطفاً با سالی ارجحیت را با حساب با سالی
کامیابی داد و ستد مبارزه را با کمبود برین صورت
خوبی در مسیر حرکت بر اساس خادانی خادمانت
شود

هرگونه خط می‌سازد که آگاهانه و با
آگاهی باشد و نخواهد بود که سالی را در حساب این جنگ
و مابقی را در حرکت جامعه دیگری که به سبب از
عملکرد شما دنیا سوگند می‌شود، بوده‌ها را از
دام رن و کسرتن مبارزه طبقاتی جویبار دارد و
ارایگان مبارزه واقعی آنها بر علیه مظلومان
سم‌طیناسی و ملی‌نار دارد، یک شیاست تسلیم‌طلبانه
و راست‌روانه است... این سیاست به سبب بوده‌ها را
ارما زره انقلابی، سبب می‌کند بلکه برخلاف اراده
و سایل طراحان این سیاست، دست‌ارحاج را در
حاصل این جنگ داخلی شکل وسیع سرور همه جا بند-
برود روابط دست‌آنان را در سرکوب جنس انقلابی
خلق و مبارزه طبقاتی و ملی بوده‌ها، بطریق مختلف
تا زرمی نماید. دعوت به عقب‌نشینی بوده‌ها در
برابر ارجحیت با محاکمه حکومتی ارتجاع و
جنگ داخلی، ارجحیت را در ایجاد و سبب جنگ
داخلی جری برمی نماید و در توسعه حملات
سپاه و همسرک جودیدها و وردهای انقلابی
بوده‌ها و مبارزه دلاانه و بی‌آنها، بیشتر بر عصب
می‌نماید. و متغیلاً هرگونه سیاست و تاکتیک که
سوادها درگیری‌های سراسری ایجاد نماید،
سوادها را به این ارموع و زمان مناسب به تعارض جا دو
شدن می‌کند، بدون توجه به سطح آگاهی بوده‌ها،
تا بورژوازی بخفای مختلف جنس و نسل نیروها
و بی‌درپرداست در جرمیدها و اجتماعی، بر
انفکادیک جنگ و درگیری رودین، با فراسد و
تا لاجرم هرگونه درگیری و مبارزه را بدون توجه به
سایر آن در دردمبارزه‌ها که می‌شود از یکسو
و حکومتی از رودروشی بوده‌ها، ارسوی دیگر خاسر
سازد... سیاست و تاکتیک آتاریستی و
آوانیورسی است.

بوده‌های ناآگاه مردم بر سر بوده‌ها وسیع کرده بود و
ری سنی در برابر بوده‌های آگاه مردم است و این
و این معنی می‌شود در عین تاکتیک و روس
مبارزاتی می‌شود، این سیاست و خط می
به ریدها و فرعی و گاند با حسابی و سیاسی
دام می‌زند و بوده‌ها را به یک درگیری سراسری
با ارجحیت که بوده، وسیع ارمود ما آگاه و سوزده
کرده بود و زاری سنی را در سبب جویبار دارد، می-
کند. زمینه‌ها را دو سبب جویبار سنی از جانب
رژیم بر علیه نیروهای انقلابی و بوده‌های آگاه را
بسیر فراهم می‌سازد و ارجحیت را در سرکوب کانون -

جرمان دارد، ما دنیا کتیک و سیاست خود را در دنیا
مسیاست ما سطح مبارزه و آگاهی در آن سخن تنظیم کرد،
۴ - مبارزه با دولتی که با خط می‌راست و
"حق"، که هر یک سخوی به روی دنیا رده طبقاتی و ملی
و سبب جنگ داخلی به جنگ طبقاتی و ملی، زبان
می‌رساند. که البته توجه به واقعیت کونی
حسین کمونیستی و انقلابی و سبب آن انحراف اولی
یعنی انحراف در راست، سیاست‌ها که نیرویان -
مدیر است و لاجرم مبارزه با آن از اهمیت بیشتری
برخوردار است.

● وجه اشتراک در خط مشی راست و "چپ" یعنی خط مشی تصمیم‌طلبانه و آنارشیستی در ناپدید
گرفتن ماهیت متضاد این جنگ داخلی است.

● ریشه‌های اصلی تفرقه و پراکندگی در صفوف نیروهای انقلابی در شرایط کنونی، بهین از آنکه در مشی
سکاتاریستی آنها نهفته باشد، در فاصله کمابیش عمیق میان سیاست‌های جاری آنان در عرصه
مبارزه طبقاتی نهفته است.

● کشاندن سطح جنبش فعلی صنعتی - اقتصادی طبقه کارگر، به سطح یک جنبش سیاسی توانمند
از طریق کار آگاه‌ها و سازماندهی لازم، زیر پرچم دموکراتیک پرولتاریائی، شرط اصلی به
انفراد کشاندن ارتجاع و تقویت کانونهای مبارزاتی مناطق تحت ستم ملی است.

های بیرونی و مبارزه خلق که هنوز از حمایت سراسری
و وسیع بوده‌ای در مقابل سرکوب خود را نمی‌توانند،
جری نمی‌سازد.
این مبارزه انحراف در سیاست و تاکتیک، از دو
مسیر مختلف یک راه می‌رسد و آن اینکه، جنگ
داخلی و مبارزاتی که تحمل شده، ارجحیت رژیم،
با مبارزه پرولتاریان برمی‌گردد و مبارزه طبقاتی با
در دو سطحی بیشتر از درون این جنگ رشد کرده و
کسرتن خواهد یافت، اگر چه این واقعیت برخلاف
اراده و سایل حامیان این سیاست تاکتیک‌ها باشد.
سرایان اساسی آن که بر عهده، نیروهای آگاه
و خصوصاً انقلابیون کمونیست، در رابطه با حجم نیاز
آنی جا معده‌ها می‌گردند بطور عمده چنین است:
۱ - سرکوب فعال در مبارزه‌های که در جامعه در-
کسرتن و کسرتن در جهت سبب دادن به این مبارزه
در جهت هدف‌گیری ارجحیت و امیرالیم، که این
خود مستلزم است که جنگ داخلی در حساب شده بر بوده-
ها را با سرکوب فعال در آن در حساب جنگ مبارزه طبقاتی
سایر انقلاب و مداخلات، تبدیل شود، باید سیاست
تلاش به سبب، اگر کسرتن این جنگ داخلی برآید به رند
و حرکت نهادها و کاد و فرعی ای که از جانب رژیم
به عمد به اجرا گذاشتن جهت جنس اعتراض آمیز
و انقلابی بوده‌ها، و سبب سرکوب آن، بدان دامن
می‌زند، حکومتی بعمل آورد، و این کار سبب به
تسلیم و کسرتن از این جنگ داخلی و سبب در
رودر امداد خودی‌ها می‌شود در برابر ارجحیت، بلکه
با سرکوب فعال عنصر آگاه در این مبارزه امکان‌پذیر
و ممکن است.
مبارزه بوده‌ای، در بخشهای مختلف کشور در
میان طبقات مختلف جامعه، شدت ناممکن است.
به همین جهت کوشش در جهت تعمیم یک تاکتیک مشترک
و واحد به تمام این بخشهای جنس، بسیارنا درست
و زیان‌آور است. چه بصورت تعمیم تاکتیک مبارزاتی
بخشهای بیشتر و جنس به بخشهای عقب مانده‌ان وجه
بصورت عقب‌گذاشتن سطح و تاکتیک مبارزاتی
بخشهای بیشتر و جنس به سطح و تاکتیک مبارزه
بخشهای عقب مانده‌ان، در هر جا و مکانی که مبارزه

کردند، این است که مرکز ثقل این مبارزه بدو -
لوزیک، در شرایطی که اوضاع جامعه پیش از پیش
سبب بحران انقلابی بیش می‌رود و مبارزه برده‌ها
روز بروز بیشتر ارجحیت می‌گیرد، هر چه بیشتر به مسئله
قدرت سیاسی و خط مشی سیاسی و تاکتیک مبارزاتی
در برابر سرکوب خلق انتقال می‌یابد، به عبارت دیگر
این مبارزه با دولتی که با خط می‌راست و
مربوط به می‌گردد و از آن بره جودات شوریک جاسر
می‌شود، کرایات انحرافی نیروها، در سبب شوریک
اکنون بطور روزمره در فعالیت‌های عملی و تاکتیک-
های سیاسی آنها متغی می‌گردد، و حول نیازهای
منحن مبارزه عملی بوده‌ها شکل می‌گیرد. مبارزه
اندولوزیک در جنس زمینه، بطور عینی بوده‌ها را
به صحت و سبب این سیاست و این تاکتیک،
آگاه می‌سازد و آنان را با خط می‌سیاست
صحیح سوق می‌دهد. همچنین فقط برآسانی این
مبارزه بدو لوزیک است که می‌توان وحدت مفسوف
جنبش کمونیستی و جنس جنبش انقلابی را تعقیب
بخشد، بدون این مبارزه و در شرایطی که تفاوت و
اختلافات فاحشی میان این نیروها در عرصه فعالیت
سیاسی و خط مشی تاکتیک وجود دارد، جنس وحدتی
امکان‌پذیر نبوده و نخواهد بود. وحدت از اجرای این
مبارزه می‌گذرد، و اینکه می‌توانیم در شرایط کنونی
عصر عمده‌های عینی وحدت، زمینه‌های ذهنی
آن شدت ناآماده است، تنها با یکتا رسم این یا
آن گروه نیستن نمی‌تواند و جنس نیستی با دلجوئی
مخت خواهد بود، ریشه‌های اصلی تفرقه در مفسوف
نیروها، در شرایط کنونی، فاصله کمابیش عمیق میان
سیاست‌های جاری آن‌ها در عرصه مبارزه طبقاتی است،
بدون تلاش در جهت برگردن این شکاف عمیق از طریق
افنا و طرد سیاست‌های انحرافی و اثبات حقانیت خط
منی صحیح وحدت‌گراشی خلعت مذهبی و ابده‌الیتی
بیدا خواهد نمود، ما از توضیح بیشتر در این باره
صرف نظر می‌کنیم و بحث پیرامون آن را به جای دیگری
موکول خواهیم کرد.

۳ - می‌دانیم که دلیل رشدنا موزون جنبش

بغیة از صفحه ۶

۲۵ روز ۰۰۰

آرزوها را بدگوروا هندید!

درگنا رویدنبال این روش وسایست جتاینگار - انه ، رژیم زهمان ابتدا قعدداشت که با سرکوب نسبی و اولیه خلق کرد موقعیت مناسی برای سازش با جناح سازنگار نیروهای سیاسی گردستان بدست آورد و با ایجادنگار دردرون "هیئت نمایندگی خلق کرد" جناح انقلابی آنرا به همراه سایر نیروهای انقلابی فعال درگردستان به انفرادگشا نده و نهائینا آنها را قلع و قمع نماید . درهمین جالارمیتدنگرمدانیم که دردوران چندین ماهه آتش بس درگردستان نیز رژیم همین سیاست را از طریق "هیئت ویژه دولت دنیسال میگرد . بدین معنی که این هیئت وظیفه داشت ، با جدا ساختن حزب دمکرات از طبقه نیروها "دیون هیئت نمایندگی خلق کرد" تا آن به سازش برسد و بدیم که چگونه هیئت خاکمه از جمله شخص بنی صدرنگا میکه در این تلاش مذیوبه خود ، درست به این دلیل که خلق کرد به سرنگت آکا هی خود افتا گری نیروهای سیاسی با هرگونه سازش مخالف بود ، شکست خوردند راهی جز انکار موجودیت "هیئت نمایندگی خلق کرد" ندیدند!!

اکنون نیز رژیم همین هدف را بریستتر جنگ دنبال میکند . توجهی که ازهمان ابتدای بنی - صدربانها ، مختلف به طرح ۶ ماده ای حزب دمکرات نشان داده ، درهمین رابطه قابل توضیح است . توجهی که امروز با انتخاب فروهر یعنی یکی ازهمان عناصر "هیئت ویژه دولت" برای مذاکره با حزب دمکرات بر اساس این طرح به موعومی نسبتاً جدی بدل شده است . درهمین رابطه است که حزب توده وظیفه خاشانه خود را انجام می دهد . روزی نیست که این حزب ورنگسته و ضد خلقی به نیروهای انقلابی حمله نکند و "خط سازش" را بعنوان "خط خلق" معرفی ننماید . اما سرنگت خلق کرد را نه سازنگاران و نه خاشانه سرنگت نمی توانند تعیین نمایند . سرنگت خلق کرد بدست خودی و در اتحاد با نیروهای سیاسی انقلابی معین میشود . مفاومت دلاورانه خلق کرد ، ورزمنگی و آزما دگی وی ، گیمه و سفرتی که از دشمنان خود دارد و بدستی حزب خاشان توده را نیز جزو دشمنان خود می - داند . دست ردی که بر سر بنه سازنگاران میزند . همه و همه نشان از خط سرخی است که خلق کرد قعددا ردا ترا سیمما بدویه گردستان خود مختار در چا رچوب ایران مستقل و آزاد ببرد!

اما اینها همه شرط لازم پیروزی خلق کرد است . شرط کافی هوشیاری و وحدت عمل نیروهای انقلابی خلق کرد ، کوشش آنان در پیوند هر چه بیشتر با توده ها و مستحکم کردن گسترش آن و تلاش در راه هر چه بیشتر آزما کردن خلق کرد بر منافع خویش و خطرناکتر می - باشد و وظیفه تمامی نیروهای راستین خلق در حمایت از خلق کرد و بیشتر که های قهرمان در دست همان چیز است که خلق کرد را در رسیدن به حقوق عادلانه - اش کمک خواهد نمود .

★ ★ ★

شرایط کنونی است . هرج و مرج ناشی از این جنگ داخلی نمیتواند توده ها را به اس و انفعال نگهاند و بسمت آلترا تئوهای سیاسی خطرناک تر بگشاند و آنان را از مبارزه طبقاتی نیز دلسرد نماید . برای مقابله با این کرایش خطرناک ، با دخالت اساسی شرایط کنونی را برای توده ها در سطح وسیع تغییر نمود . و روندی را که با معارضه از سر می گذرانند آنها توضیح داد . و از این طریق سیاست های تفرقه - افکنانه و توطئه آمیز هیئت خاکمه را برای منته کردن جنبش خلق و رودر و روبرو رادادن بختیای مختلف آن افشا نمود . و در عین حال به آنها توضیح داد که تنها راه مقابله با این وضع و جنم انداز ، تشدید مبارزه طبقاتی و به انفرادگشاندن ارتجاع است . همچنین با بدخطرات ناشی از این شرایط را که در آن امکان سپهر برداری نیروهای فوق ارتجاعی و مستحکما و وابسته به امپریالیسم از مناسبات و کرایش توده ها به ایجاد یک نظم مطلوب . وجود دارد . و سفاک و سرزد نمود ما هیئت ارتجاعی این مخالف را در سطح وسیع مورد افشاکری قرار داد .

۵ - آزما دگی سیاسی - سازمانی جهت مقابله با این اوضاع ، از وظایف مهم دیگر نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست است . ارتجاع ، در راه بندید جنگ داخلی مکتوب تا یک فضای ارماب و ترور سستی بر علیه نیروهای انقلابی و سوزنده نیروهای کمونیست فراهم آورد . و با به انزوا گشاندن آنان ، یک سرورسستی و سرکوبگری به درآستان ترتیب دهند . در چنین شرایطی از یکسویا بد توده ها را وسیع نسبت به این موج ارتعاب و ترور بر علیه نیروهای انقلابی آکا کرد اند و از سوی دیگر ، صفوف این نیروها را از گردن حمله ارتجاعی و ترور سستی ارتجاع ، بنا سازماندهی مناسب ، حفظ نمود . این سازماندهی با بدینوا ندبا طرفت خاص کار رسوده ای علنی را که در راه بندیدت کنونی ارتجاع و رودر و روبرو اعسلا ی جنبش توده ها ، کاملاً امکان پذیر است ، با سازماندهی متناسب با شرایط سرکوب و نهائیم ترور سستی هیئت خاکمه تخلیق نماید . در این شرایط که عرصه فعالیت علنی بر سازمانهای انقلابی و سوزنده انقلابیون کمونیست هر روز تنگ تر می گردد ، با تکیه بر سازمانهای توده ای علنی و تنگ توده ها در دوران این سازمانهای صنفی - سیاسی و دموکراتیک از اهمیت روزافزونی برخوردار میشوند . ایجاد دوقوت این سازمانهای توده ای ، بمنظور بنه تقابل سازمانهای انقلابی ، به این نیز و توان ، با دایمی و بنه توده ای می بخشد . ارتباط میان آنان و توده ها را به بهترین صورت برقرار می سازد . و بدین صورت است که میتوان شرایط خفقان و تروروا مکان جدائی از توده ها تحت این شرایط به بهترین وجهی مبارزه کرد و زمینه پیوند با توده ها را هر چه بیشتر فراهم نمود .



توده ها در مناسبات و بخشهای مختلف کشور ، این جنبش هنوز از توان سرسری و همگون برخوردار نیست و عمدتاً در چندگان اولی متمرکز گردیده است . بی - آنکه نتواند نیروی بالفعل مادی بخش های وسیع دیگری را در بیست سردا شنه نماید . این گانن های اصلی مبارزه انقلابی عمدتاً در مناسبات تحت ستم ملی و مخصوص در گردستان و نیز جنبش دانشجویان انقلابی قرار دارد . و این وضعیت یعنی مبارزه طبقاتی یکی از زمینه های عینی تشدید جنگ داخلی و اعمال سیاست تشدید این تفرقه و جدائی از جانب هیئت خاکمه را تشکیل می دهد . برای خنثی کردن این تاکتیک و غلبه بر این ضعف جنبش انقلابی ، با بدکوشش نمود که گانن های مبارزه مفاومت را در بخشهای دیگری ، متناسب با سطح آکا هی و مبارزه آنان بوجود آورد . و بدین ترتیب از تمرکز نیروی آنها جموسرکوب رژیم در یک یا چند نقطه و گانن جلوگیری بعمل آورد . به عبارت دیگر با بدیت جنبه های استوار و جدید از برای گانن های عملا در کبر مبارزه طبقاتی حاد بوجود آوردن با پیرو بنه تبدیل این جنگ داخلی به جنگ طبقاتی ملی . هر چه سریعتر عملی گردد . طبیعتاً ایجاد این گانن های جدید مفاومت و مبارزه به معنای تحمیل در کبری های زودرس و بنا بجا به این بخش و به مقابله گشاندن بنی از موقع میان ارتجاع و توده ها نمیشد . بلکه معنای سازگردد جنبه مبارزه در هر سطح و درجه ای که جنبش توده ای در آن نقطه در حال جریان یافتن است . می باشد . حتی اگر این مبارزه در سطح نازل صنفی و رفاهی قرار داشته باشد . در این رابطه دامن زدن به مبارزه طبقاتی طبقه کارگر ، بخصوص در مناسبات فارس نشین که بخش اعظم طبقه کارگر را بخود حتماً می دهد ، از اهمیت و امری برخوردار است . تکیه اصلی ارتجاع در شرایط کنونی بر بیلمت فارس قرار دارد . و طبقه کارگر نیز از این قاعده مستثنی نیست . اما در عین حال ، به اعتبار شرایط سیاسی و اجتماعی موجود یعنی حد بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه ، این طبقه و لیسن طبقه ای است که زمینه بالقوه مسا عدکنده شدن از ارتجاع و تبدیل شدن بیک جنبش سیاسی همه جانبه را دارا می باشد . جنبش طبقه کارگر ، همچون آتش در زیر کستر است . ناراضیانی در میان آنان ، در زیر پوسته سکند و هر دم زک سونده سوم ، هر لحظه بیشتر کسترش می یابد و چشم انداز انجاریها و جیش های قریب الوقوع را نوید می دهد . گشاندن سطح جنبش صنفی - اقتصادی طبقه کارگر ، به سطح یک جنبش سیاسی نوا نمندبا کار تبلیغی و ترویجی و سازمان - دهی فعال در بین آنها و در زیر پرچم دموکراتیک پیروان راستی شرط اصلی به انفرادگشاندن ارتجاع و تقویت گانن های مبارزاتی مناسبات تحت ستم ملی است . توجیه این موضوع و کوشش در جهت به فعل درآوردن این نیروی بالقوه یکی از اساسی ترین وظایف نیروهای آکا در شرایط کنونی است .

۴ - کار آکا هکرا نه و افشاکری وسیع در میان توده ها ، با مضمون توضیح اجتنابنا پذیر جنگ داخلی ، جنگی که ارتجاع برای نجات موجودیت خود به آن دامن می زند ، از وظایف اساسی نیروها در

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



کرامی باد خاطره رفیق شهید مصطفی آفریده

سازمان

مجموعی سازمانی آم

تربیت‌یابان جوانان

سازمان فرهنگی

اکبر باستانی کرامی روح در دست

سازمان جوانان سازمانی

اکبر باستانی سرزمین در دست

سازمان تربیت‌یابان

سازمانی سرزمین کرامی

مجموعی سازمانی آم

در سالهای خاکستری و سیاه ما در آن

آنجا که کوه‌ها را زار، داسکا و مدرسه، کارخانه و

مزرعه، ده و شهر و... در روزگامهای مزدوران امپری

سالم و در حین آن محدودیتها و هلاک تراها شدند و

"انقلابیون" و "انقلاب" و "لیبرالهای" سازمانی

رسمی و وقت امور دنیوی معمول بودند و کوب را سر

خونگی سرچشمه داده بودند که آرا من زندگیمان برهم

وجود، بودند و همسایه‌ها را از زمین خلق کما

از دادای یولادی که مدتها در راههای زمینگان زمین

بنا داده بودند و در آن راهها با خفا می‌بودیم

رفتند، رفتن مطلق (موسی آفریده) از جمله این

انقلابیون بودند که غنی به آلمان زمینگان و در راه

آزادی طلبند، کارگرها در دست

رسمی و مطلق را در آن زمینگان سر داری

سرزمینان سرده بودند و در همانجا بودند که معنی

خواهادر در آنجا با سازمانی معانی خلق ایران

تراز کردند و از زمینگان مالی و فراوانی آمدند

سازمانی در آنجا سازمانی در دست، پس از

مدتی رفتن معنیان یک انقلابی مدتی تمام هم

سازمانی و وقت خود را در خدمت معنیان انقلابی قرار داد.

بسیار بود که از آنجا با معنیان سر داری

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

رسمی و وقت امور دنیوی معمول بودند و کوب را سر
خونگی سرچشمه داده بودند که آرا من زندگیمان برهم
وجود، بودند و همسایه‌ها را از زمین خلق کما
از دادای یولادی که مدتها در راههای زمینگان زمین
بنا داده بودند و در آن راهها با خفا می‌بودیم
رفتند، رفتن مطلق (موسی آفریده) از جمله این
انقلابیون بودند که غنی به آلمان زمینگان و در راه
آزادی طلبند، کارگرها در دست

سازمان
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

خلاصه کنیم:

در سرزمین سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا
سازمانی سرزمینان سرده بودند و در همانجا

فلسطین، ۳۲ سال مقاومت خستگی ناپذیر

با فرارسیدن ۱۵ ماهه (۲۵ اردیبهشت) سی و دو سال از آغاز فلسطین و اتحاد دولت صهیونیستی و عاصا اسرائیل گذشت. جنجری که امیرالانجمن‌ها تی و صهیونیسم با همکاری ارتجاع محلی در قلب خلقهای باورمان نه‌نمادند همچنان از آن خون می‌چکد، جوسی که خدا سال است در مناطقی چون جنوب لبنان بصورت سیل درآمده است. امروز اسرائیل بمناسبت با یگان مقدم میرا لسم بویژه امیرا لسم آمریکا در منطقه عمل می‌کند و فریبانی این سیاست در درجه اول خلق رحمتکین و مبارزان فلسطین است.

انجالی و هدد خرابی‌ها را با تالیفات دشمن با درگیری با کشتی‌ها و یگانهای مریخی است. ۳ - درگیری‌ها شی که فلسطینی‌ها در کشورهای دیگر جهان، علیه اسرائیل و سیاست وابسته بدان و نیز شخصیت‌های سرخسده و فعال دشمن انجام داده‌اند. عملاً - مدتها به‌سوخ سوم بویژه شرایط سیاسی خاصی بود که بویژه اسرائیل و حوضیانه ارتش ملک - حسن درسیا اسرائیل ۱۹۷۰ در اردن و قتل عامی که علیه خلق فلسطین بکار رفت انجام میشد و با شعار "دشمن را در هر کجای دنیا که باشد مورد حمله قرار دهیم"

الف : بمب‌گذاری در مناطق مختلف بر اساس استراتژی برهم‌زدن امنیت و ثبات درجا معمه‌پس - نیستها و بدین وسیله جلوگیری از مهاجرت صهیونیست - ها به فلسطین و نیز آزاد کردن صهیونیستهای مقیم به بازگشت به وطنهای خودشان .
ب : درگیری رودر رو با نیروهای انتظامی و نظامی در داخل شهرها و خارج آن. به‌نانه گرفتن درکوه - ها و نیز با یگانهای داخل شهر .
ج : حمله و گروگان‌گیری افراد دشمن .
و همه این عملیات نظامی اساساً در رابطه با صیخ توده‌ها و برانگیختن آنها برای مبارزه با دشمن . برای ایجاد جو روح در دشمن و برای مقابله با توطئه‌ها شیکه دشمن و همدستانش در داخل و خارج جهت نابود کردن مسئله فلسطین طرح ریزی میکنند، بوده است .

نکته مهم این است که انقلاب فلسطین بعنوان یک جنبش ملی انقلابی توده‌ای، در کنار عملیات نظامی به اعتراضات گسترده توده‌ای، به تحمیل و کلیه اقداماتی که در چهار رچوب همان قوانین اسرائیل و بطور عملی می‌توان انجام داد، مبادرت می‌ورزد و زیر سرپوش‌های متعدد، از انتخابات شوراها و شهر گرفته تا انتشار کتابها و مقالات در روزنامه‌ها و... به رشد آگاهی‌های عمومی می‌پردازد. انقلابیون بین کار سیاسی و نظامی عموماً رابطه‌ای فعال را در جهت پیشبرد هدفهای انقلاب برقرار می‌سازد .

نگاهی به حوادث اخیر در داخل فلسطین اشغالی

خبرگزاری و هاد در دمشق روز ۱۳ اردیبهشت خبر داد که "یک واحد انقلابیون داخل توانسته مسئله عملیات نظامی مهمی را علیه سیاست حیاتی دشمن در شهر "الخلیل" (هیرون) به اجرا در آورند. انجام این عملیات در چهار رچوب گسترش هر چه بیشتر مبارزه مسلحانه در داخل صورت می‌گیرد .
انقلابیون در این عملیات از مسلسل و خپاره و نارنجک استفاده کرده‌ و با مین گذاری و کار گذاشتن بمب حدود ۵۰ تن از افراد دشمن را کشته یا مجروح نمودند ."

در اجرای عملیات فوق، انقلابیون پس از تدارک وسیعی که در آن شرایط سخت، چندین ماه طول کشید، ابتدا با سلاحهای لازم در منطقه‌ای کمین کردند سپس با یک تلفن، دشمن را فریب داده گفتند که در آن منطقه خرابکاران پنهان شده‌اند. نیروهای اسرائیلی بسوی منطقه گسیل شدند اما طبق طرح حساب شده‌ای، آنها ناگزیر بودند از راهی با ریک عبور نمایند که بخوبی زیر آتش انقلابیون قرار می‌گرفتند. با رسیدن نیروهای اسرائیلی، انقلابیون، آنانرا زیر گنا سلاحهای مختلف خود گرفتند و پس از تار و مار کردن و وارد آوردن تلفات فراوان به آنها، منطقه را سالم‌تر نمودند و به پایگاههای خود بازگشتند. انجام این عملیات در قلب مناطق اشغالی بخصوص از این لحاظ اهمیت دارد که این با انقلابیون رودر رو با دشمن درگیر شده‌اند و قدرت انقلاب را در شکستن دیوارهای شدیداً منبذی نشان داده‌ و موجبات بالا بردن روحیه توده‌ها، ایجاد اعتماد هر چه بیشتر در آنان را فراهم آورده و جواب قاطع به دشمنی داده‌اند که می‌پندارد با اعمال انواع شیوه‌های پلیسی و سرکوب و فشار و اخراج مردم از سرزمین نشان



صراحت در مقابل جودیس و اردا و رد و ما در اینجا وارد جزئیات آن جنبه‌های مثبت و منفی اینگونه عملیات و آثار سیاسی و دیپلماتیک آن نمی‌شویم . عملاً - سرخ بومی اسرائیل و رزیمهای عربی در زویش حال آغار و بیرون طرابلس اردن که از لحاظ جغرافیایی شرایط مناسبی را در دسترس شدیدترین وسیعترین درگیری‌های بین فداشنان فلسطین و نیروهای اسرائیلی بود. از سیتا میر سال ۷۰ بعد از مریروی فداشنان بسته شد. در مرکز سوریه و اسرائیل (ارتفاع جولان) نیز مدت‌ها فعالیت ادا می‌شد که بهم در نتیجه سیاست سازگارانیه سوریه بروی فداشنان بسته شده است. مرز مصر و اسرائیل نیز هرگز به در زمان نا صرونه مادات وضع فعالی نداشتند است. تنها مری که انقلابیون فلسطینی بیشترین استفاده را از آن برده‌اند و همواره صحنه درگیری‌های شدید بوده است مرز لبنان است. اهمیت این مرز در مقاله‌ای تحت عنوان "مسئله‌ای با محوریت لبنان" (پیکار ۱۳) مورخه اول مرداد ۵۸، روشن کرده‌ام .
عملیات سوخ اول، ارا سندی شروع انقلاب مسلحانه محلی و فلسطینی به اشغال مختلف ادامه یافته است .

با اتحاد دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ که پس از تسلیم آن در از سوطه و اخراج فلسطینی‌ها از وطنشان صورت گرفت، موجودیت خلق فلسطین و منبذی بنام فلسطین ظاهر آرزو شده‌ها را رخصت بر سرست. سازمان ملل و بسیاری از کشورهای جهان وجود این خلق و منبذی - این سرینفه جغرافیای را منکر شدند . تا معاً و متکبظیر و نهرمانهای خلق فلسطین و ادامه حثک مسلحانه توده‌ای پس حثصیت را به همه‌جا نشان . به دوستان و دشمنان خلق فلسطین - فیما بین و فیما بین که مسئله فلسطین - سر بوش شدنی نیست، مسئله‌ای که گریزنا غا دلانه‌ترین مسئله قرن بیستم است، یعنی به گراف گفته‌ام تا بارها به مناسبت‌های مختلف ارتراخ مبارزاتی این خلق و مسائل که آنها در راه آزادی خویش با آن روبرو هستند، و نیز ارتراخ و نهرمانی نشان سخن گفته‌ام. سوطه - ها شیکه علیه آنها جدید در کشورهای - سی حدر ارتراخ در گذشته و حال می - شود افتاد، بوده‌ام و حمایت جدید خود از مبارزان آنان را اعلام داشته‌ام و با کس کرده‌ام که ایران با این بصورت با یگانهای برای مبارزات اشغالی خلق فلسطین در آید . در اینجا لرومی به گراف مواضع اصولی گذشته ما را بی‌سینم و بریح می‌دهیم که بیرومون یکی از مهمترین عملیاتی که در روزهای گذشته در داخل سرزمینهای اشغالی فلسطین انجام گرفت و از لحاظ سیاسی و اجتماعی دارای آثار چشمگیری بود مطالبی به اطلاع جوانان و کسانیکار می‌رسانم .

عملیات داخل و اهمیت حیاتی آن در تداوم انقلاب

انقلاب فلسطین در پیوندهای مختلف با دشمن درگیر است و عملیات مسلحانه به اشکال زیر صورت می‌گیرد :
۱ - در داخل سرزمین‌های اشغالی بسوی همه‌های محلی سازمانهای اشغالی در آنجا، و با بسوی مبارزاتی که بعداً انجام عملیات مهمی در داخل مرز رخته کرده‌اند .
۲ - در مرزها (که امروز تنها مرز لبنان با فلسطین است) بصورت تلفیق همپاره‌ها به داخل اراضی



میخواهد حق مردم فلسطین در میهنشان را لکه مال سازند. سه چهار سال پیش عملیات درگیری رودرو از جانب انقلابیونی که در با یکا هیا ی کوهستانی موضع داشتند انجام میگرفت. با عملیات دو هفته پیش انقلابیون یکبار دیگر از شیوه سابق استفاده کردند. هدف از این عملیات، اولا مقابله با طرح یهودی کردن منطقه است.

دشمن در یکی دو سال گذشته کوششهای زیادی برای "یهودی کردن" مناطق عربی بکار برده است. در اجرای این طرح:

۱ - ساختمان ها و خانه های راهبستانها را تخریب و مالکیتی که به چند صد سال پیش بر میگردد و مثلا نشان میدهد که در آن زمان دور این ساختمان ها خانه متعلق به یک فرد یهودی بوده است از صاحب فعلی آن گرفته میشود و او را از آن محل بیرون می کنند!

۲ - به بیابانها و بیابانها منطقه در حوزة استخفاطی و امنیتی قرار داده میشود تا با رادار دیده نمیشود و اهالی را از آن منطقه می رانند و ارتش در آنجا مستقر میشود و بلافاصله آنرا به منطقه ای یهودی نشین با تمام مشخصات نظامی و اجتماعی یک کمپ یهودی تبدیل می نمایند.

۳ - به بیابانها با یکبارگی، مناطقی را علامت گذاری کرده ما حیابان خانه ها را از آنجا با بیرون میکنند ۴ - مساجد ما کن مذهبی را به بیابانها تبدیل می نمایند ۵ - مزارا بر ابراهیم (در شهر الخلیل) را که تا کنون بدست اعراب مسلمان بوده به بیابانها تبدیل کرده اند و به یهودیان داده است به تدریج به تصرف یهودیان در می آورند.

عملیات فوق در پاسخ به این اقدامات صورت گرفته است و بدین معنی که خلق فلسطین در قبایل این اعمال ساکت نمی نشینند.

هدف دوم از این عملیات این است که توسط خودگردانی منطقه ساحل غربی رود اردن و نوار غزه را که بر اساس توافق خانها کمپ دیوید توسط کاپتر، سادات و یکین صورت می گیرد، در خود خنثی نمایند.

تأثیرات سیاسی عملیات فوق چه بود؟

- مذاکراتی که بین مصر و اسرائیل بر سر خودگردانی این مناطق جریان داشت متوقف گردید.
- با تبعید شدن از شخصیت های ملی فلسطینی بجرم حمایت از انقلاب فلسطین، موج اعتراضات و اعتصابات و راهبیمانی ها در داخل فلسطین بنا افتاد و جنبان روحیه مقاومت جوانان خلق را بالا برد که حتی در مناطقی که در سال ۱۹۴۸ اشغال شده و اسرائیل آنجا را مناطق کلا یهودی شده تلقی میکنند بطور متخاصم در منطقه "اکسال" در نزدیکی شهرنا صره درگیری های با دشمن روی داد که اسرائیل هیچ انتظارش را نداشت.

مبارزه عادلانه و قهرمانانه خلق فلسطین با وجود توسطه های که برای نابودی حقوق ملی او و سرنگونست مسئله فلسطین از سوی امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع عرب بکار می رود، در پیته های سیاسی نظامی و اجتماعی این اقدامات بوده است. حمایت بیدرستی از مبارزات این خلق و طیفه همه نیروهای انقلابی بویژه کمونیستهاست

بنیاد از صفحه ۱ تشکیل دولت

گردید. لیسرا لیا بلافاصله بدینست سریشی مدرستگسیر گرفتند. با زرگان متذکرند:

"سپر ماس مادریک حالت نثرت و احتشاشی سر می بریم و غورای انقلاب در حال حاضر حاکمین مجلس می باشد. درخواست رئیس جمهور در مورد تشکیل کابینه بصورت مام رسید. من هیچ مامی نمی بینم که تورا به ای مجلس رای نماید به محض و بر سر دهد."

(انقلاب اسلامی، ۲۲ اردیبهشت) **مضمون چنین حرکتی و نیز بیبا مدهای آنرا در اوضاع و احوال کنونی میتوان چنین خلاصه کرد:**

۱ - بحران عمومی اقتصادی و سیاسی در کشور و رشد رفاقتی، بحران سیاسی با آمریکا و از همه مهمترینش کبری جنبش انقلابی طبقه های است که متناوباً بر روی یکدیگر تاشه و حکومت را با خطرات جدی روبرو ساخته است. در جنبش شرایطی است که بنی مدرن جناح طرفداران و در هیئت حاکمه میگویند تا هر چه زودتر به درگیری قدرت ها در درون هیئت حاکمه خاتمه داده و ارکان های قدرت اجرائی را هر چه بیشتر در دست خود متمرکز سازند. با بنی این مسئله را مدنظر داشت که با در نظر گرفتن یک هفته برای اعلام نتایج انتخابات مجلس و چند هفته برای تشکیل مجلس و تدوین نظام مداخلی و... حداقل یک ماه برای تشکیل مجلس طول خواهد کشید. بنی مدرن خطری را درک کرده است. تا مدتی او به او و همکاران دست که در شرایط کنونی گذشت روزها نیز در حیات و زندگی هیئت حاکمه فدخلی تا شير دارد (این مسئله در نامه او به آیت الله خمینی نیز منعکس است). چنین است که با تا شير گرفتن آیت الله خمینی، بنی مدرن در مدبری آید که موقعیت خود را هر چه زودتر با تشکیل یک کابینه لیسرا لی تحت فرمان او تقویت کند.

۲ - وجود دو فرآکسیون کلا مشخص در هیئت حاکمه (یعنی دو قطب فدخلی یکی بنی صدر و جناح طرفداران او دیگری جناح حزب جمهوری اسلامی) از عوامل تضعیف کننده حکومت در سرکوب جنبش انقلابی است. کوشش های بنی مدرن برای کنترل سپاهیان، دادگاه های انقلاب، کمیته ها و ارگانهای دیگری که مشخصاً در تسلط حزب جمهوری اسلامی است تا کنون کمتر نتیجه مطلوبی برای او به بار آورده است. با افزودن فرآکسیون نیرومند حزب جمهوری اسلامی در مجلس شورای اسلامی که اکثریت را دارد، میتوان گفت که بنی مدرن این آسانی ها قادر نخواهد بود این جناح را زیر نفوذ خود در آورد.

انتخاب نخست وزیر در شرایطی که مجلس تشکیل شده باشد، بدون شک بنی مدرن را با دشواری های بیشتری روبرو خواهد کرد. زیرا با استکبار حزب جمهوری اسلامی در مجلس به آسانی نخواهد توانست بنی مدرن را تا شير کند. اگر بنی مدرن در دست درآمده است پیش از تشکیل مجلس، نخست وزیر را تعیین کرده و به تصویب آیت الله خمینی برساند. مخالفت حزب جمهوری اسلامی نیز با این جریان از همان ابتدا شروع شد.

بنی مدرن در پایان یکی از جلسات شورای انقلاب اعلام کرد که حق رای تمایل و رای اعتماد برای مجلس محفوظ می باشد (انقلاب اسلامی، ۲۲ اردیبهشت). روزنامه "جمهوری اسلامی" در ۲۴/۲/۵۹ اعلام کرد که "شورای انقلاب پس از بحث و بررسی انتخاب را به

تشکیل مجلس موکول کرد. "دشمن سرست مخالفست جناح حزب جمهوری اسلامی عملا نمی مدد را و او را رگد که تشکیل کابینه را به سوی بسندارد."

۳ - بنی مدرن را مدد خود را در حوزة سیاسی خود منتهی "نوی انظامی" را مطرح کرده است. حالت اینجاست که آیت الله خمینی علیرغم سیردن فرماندهی کسل قوا "به بنی مدرن خود را امری که مسئولیت آن به عهده بنی مدرن می باشد، دخالت می کند: دادن آمادگی با بنی نظامی پس از تنها جم مدردوران آمریکا بنی. دستور تشکیل شورای دفاع ملی تمیل ارتشکسل مطلق (بوسیله جمران و خا سنده ای) اجرا می بوده است که آیت الله خمینی با نفع مسئولیت های بنی صدر انجام داده است.

آیت الله خمینی بنی مباحی را پس این دو

- وجود دو فرآکسیون کلا مشخص در هیئت حاکمه از عوامل تضعیف کننده حکومت در سرکوب جنبش انقلابی است.
- خلق های مبارز ایران در بافتنند هرگاه مسئله سرکوب جنبش تودهای مطرح باشد، تمام جناح های حاکم با یکدیگر وحدت یکنارچه دارند.

جناح از هیئت حاکمه را بر عهده دارد. او علیرغم اینکه گاهی از بنی مدرن بیخبر است، میکند، در عین حال مجموعاً به حزب جمهوری اسلامی نزدیکتر است و سیاستهای آنرا تا شير می کند. درخواست بنی مدرن در مورد "قنوی انتظامی" نیز از همین زاویه قابل سرخورد است. بنی مدرن همان اندازه به "تشبیت و تقویت" قنوی انتظامی سپاه می دهد که مثال بازرگانها، جمرانها و... سپاه می داده اند. آنها همگی شان موقعیت و بقا، جمهوری اسلامی را در حفظ و تثبیت هر چه زودتر ارگانهای سرکوبگری بنی مدرن و بویژه بنی مدرن خود را "وارث قنونی" این نظام می دانند در راه انجام آن از هیچ جنابیتی علیه طرفهای ایران کوتاهی نمیکند.

بنا دو مبارز در درونی نشان دهنده یک جنبه از وضعیت جناحی حاکم است آنچه که منس کنند و اصل نرات، وحدت این نیروها در یک مجموعه حکومتی است که مشخصه رودرویی خلق است. ایستاده و هرآن خواب راه انداختن یک حمام خون را در سر می بروراند. خلقهای مبارز ایران در با فته اندرگاه مسئله سرکوب جنبش بوده ای مطرح باشد (که همواره است) تمام جناح های حاکم با یکدیگر وحدت یکنارچه دارند. حتی در همین موارد هم همگام میگردند و بروزی کند، اختلاف بر سر این نیست که بنی مدرن سرکوب کرد یا کمتر سرکوب کرد. بلکه در این است که هر کدام کوشش می کنند رهبری و ابتکار عمل را در حقه گردانند انقلاب از جنگال رنگ خود در آورند. نحوه سرکوب نیز میباید متفاوت باشد: در حالیکه حزب جمهوری اسلامی جناح وابسته به آن سرکوب آتکار و بدون اعطای رادرسر لوجه عملگردهای ارتجاعی خود را داده است، بنی صدر و لیسرا لیا دیگربا ندا و "ترس" را سزید بشر دارند. بدون شک در محسن بوده ای کات های سر در هیئت حاکمه بوجود خواهد آورد. آنقدر که بنی مدرن میخواهد (استقرار حاکمیت دولت به بنی بنی است) او می فهمد، خواب و رویانی بنی نیست. حکومت جمهوری اسلامی فقط مساوات زحاط "قاسوسی" خود را تثبیت کند. لکن در عمل هرگز تاربه انجام این کار نخواهد بود.



طبقة کارگرو خلفهای جهان میوزمند

انگلستان

تعمیق بحران اقتصادی حاکم بر این کشور بیش از پیش زمینه مساعدتری برای رشد مبارزات اعتراضی زحمتکشان را بوجود می آورد. در حال حاضر علیرغم رهبری رفرمیستی سدیگا های کارگری مبارز زندگی در تمام انگلستان جنبش اعتراضی را ادامه می دهد است. از جمله در پاریس این کشور، لندن، هزاران کارگر رشته های مختلف صنایع که خواهان بالا رفتن دستمزدها و تامین حقوق های می باشند دست به اعتصاب زده اند. در تمام شهرها نشانی روزنایاها تعطیل و حمل و نقل اتوبوس ها و راه آهن نیز فلج گردیده است. در هیستنگی با زحمتکشان اعتصابی لندن مغدنجیان "اسکاتلند" و "ولز" نیز دست از کار کشیده اند. در همین حال هزاران باراندازینا در شمال انگلستان برای رسیدن به حقوق خود دست به اعتصاب زده اند. آنچه قابل انا را است اینست که در این شرایط بحرانی این مبارزات و اعتصابات بدور از سیاست و رهبری پرولتری و بهیمن خاطر این مبارزات فداکارانه نمی توانند به پیروزی طبقه کارگر منجر گردند.

فرانسه

بورژوازی امپریالیستی فرانسه هر روز تجاوز جدیدی به حقوق توده های زحمتکشان و دانشجویان انقلابی و مترقی وارد میکند. در روزهای اخیر جنبش اعتراضی دانشجویان فرانسه و نیز خارجی برای دفاع از حقوق خود با دگسترده ای گرفته است. دانشجویان در کارخانه لانس با نیروهای پلیس فاشیستی C.R.S. درگیر شده و طی این درگیری ها با تخریحات وحشیانه پلیس بسیاری از دانشجویان زخمی شدند. در این میان جنبش اعتراضی دانشجویان به شهرهای دیگر از جمله رونس، نانت و... کشیده شده است. جنبش دانشجویی در فرانسه دارای سابقه و سنتی طولانی است. شرکت دانشجویان انقلابی در تظاهرات و مبارزات بیست و نه ساله ۱۹۶۸ نموداری از این سنت مبارزاتی بنام می آید. این مبارزات

توضیح درباره کمکهای مالی هموطنان مبارز! رفقا!

سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه - خانه ها توانسته است اهداف انقلابی خود را پیس برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میسازد دست ما برساند.

برای اطمینان از اینکه کمکها بنام توسط سازمان دریافت شده، عددی بگرمی، با دورقمی و با صدقمی (حداکثر سه رقمی) به دلخواه بعنوان "کد" انتخاب کرده و همراه با حرف اول نام خود به دریافت کننده کمک مالی بدهد.

سازمان "کد" انتخابی شما را به ترتیب در ۱۰۰۰ با ۱۰۰ و با ۱۰ (عدد ۱۰۰۰ برای "کد" بگرمی، ۱۰۰ برای دورقمی و ۱۰ برای صدقمی) ضرب کرده و حاصل آنرا به مبلغی که پرداخت کرده اید اضافه نموده و همراه با حرف اول نام شما در تشریح "پیکار" چاپ میکند. به این ترتیب شما مطمئن می شوید که کمک مالی بنام در اختیار سازمان قرار گرفته است.

مثلا اگر مبلغ پرداختی ۲۵۰۰۰ ریال و "کد" انتخابی ۵۸ و حرف اول نام شما "ت" باشد در ۱۰۰۰۰۰ کمکهای مالی دریافت شده (۲۵۰۰۰۰ + ۱۰۰۰۰۰) را ملاحظه خواهد کرد.

$$58 \times 100 = 5800$$
$$25000 + 5800 = 30800$$

کمکهای مالی دریافت شده

آ	۲۰۶۰۰	د	۲۹۲۰۰	ع	۱۸۰۰۰
الف	۸۱۰۰۰	ذ	۱۱۶۰۰	غ	۲۲۸۲۰
ب	۱۲۲۸۰	ز	۱۶۰۰۰	ح	۱۲۲۰۰
پ	۷۰۰۰	ژ	۱۶۵۰۰	ق	۱۰۶۰۰۰
ت	۶۰۰۰	س	۱۸۶۰۰	م	۱۲۰۰۰
ج	۱۹۰۰۰	س	۱۸۶۰۰	ن	۲۰۰۰۰
چ	۱۵۵۰۰	س	۳۴۴۰۰	ه	۱۰۷۷۰۰
ح	۱۱۱۰۰	ش	۶۵۰۰	ه	۷۷۰۰
د	۲۶۸۰۰	ص	۲۲۵۰۰	ه	۸۲۰۰

منتشر شد:

★ - پیکارگران بای در زنجیر، مجموعه تشریحی سبب اول ماه مه.



به کارخانه می آید.

اینک چندین شرکت از "گروه صنعتی ملی" توانسته اند خواست ۴ ساعت کار در هفته را که یکی از خواسته های طبقه کارگر است در سه هیستنگی و یکبارگی خود بدست آورند.

دروندسرا کارگران مبارز کفش ملی زنده با وحدت و یکبارگی طبقه کارگر ایران

هندوستان

در هندوستان بیش از ده هزار زحمتکشان با دست "آ" م ۲۵ در ۲۵ اردیبهشت ماه به علیه ستم و استثمار رژیم ارتجاعی هند دست به اعتصاب زدند. در طی این اعتصاب کارخانه ها و موسسات تولیدی بکلی فلج شده اند. حکومت ارتجاعی "ایندراکانندی" برای سرکوب این جنبش اعتراضی اقدام به ارسال نیروهای نظامی نمود. و در پی درگیری و خونریزی پلیس و نظامیان بسیاری از زحمتکشان کشته و زخمی شده اند. سوسیال امپریالیست شوروی که دارای نفوذ اقتصادی زیادی در هند می باشد پیوسته می کوشد چهره رژیم ارتجاعی هند را بیویند. ولی مبارزات زحمتکشان این نقاب را با ریه می کند.

پرتغال

در پرتغال هزاران کارگر و مابگیر زحمتکشان دست به اعتصاب وسیعی زده اند. این اعتصاب زندگی اقتصادی کشور را در سطح ملی فلج نموده است و خسارات بزرگی بر سرمایه داران و دولت سرمایه داری وارد آورده است. سوزناوری میکوبد با ستم فداکاری نمودن بحران اقتصادی به اتمام رسد حال آنکه مبدانیم بحران دانی ستم سرمایه داری و سرمایه داری همیشه کارگران را به شدیدترین وجهی استثمار می کنند. اگر چه در پرتغال بورژوازی تنها ۱۵٪ جمعیت را تشکیل می دهد ولی ۵۰٪ درآمد ملی را می بلعد. این رقم نشان دهنده کوچکی از غارت کارگران و سایر زحمتکشان توسط بورژوازی است. زندگی خوب و مرفه آن سرمایه داران، با زرگان، کارمندان عالی رتبه دولتی است ولی بیکاری، فقر و ستم و افقیت زندگی زحمتکشان است. علیه این واقعیت کارگران سلاح در دست گرفته اند. سلاح آنان مبارزه آنان است. در ۱۷ فروردین ماه ۳۰۰۰ نفر در "لیسون" به علیه ستم فاشیستی و ستم و سوزناوری های ارتجاعی به تظاهرات پرداختند. این تظاهرات به اینکاستندیکالیستی انقلابی و در مخالفت با سیاست رفرمیستی رهبران سندیکا های پرتغال برگزار شد. این جنبش در اول ماه مه به اوج خود رسید و بیش از یک میلیون زحمتکش برآمدند و دست به تظاهرات پرداختند و امروزه مبارزان کارگر و مابگیر را مبارزه را ادامه می دهند.

تکلیف گروه روشن شود و به این ترتیب فعلا جلوی اعتراض این شرکتها را هم بگیرند. کارگران مبارز این شرکتها نیز (شرکتها بی کساعت کارشان از ۷/۵ تا ۴/۵ است) گفته هیئت مدیره را نپذیرفته و هم چنان برخاست خود با فشار می کنند. این کارگران سرانجام با طعنه تصمیم میگیرند که خودشان ۴ ساعت کار در هفته را بپذیرند چرا بگذرانند. از این رو در هفته گذشته بعد از ۸ ساعت کار، دست از کار کشیده و چون سروسر در اختیارشان نبود، بهای پیاده کارخانه را ترک می کنند. پس از ۲ روز که بدین ترتیب می گذرد، با دیدن هیئت مدیره در مقابل خواست کارگران مبارز عقب نشینی کرده و سروسرها بکساعت زودتر

کارگران مبارزه

شرکتها می هم کساعت کارشان از ۷/۵ تا ۴/۵ است یعنی ۹ ساعت کار می کنند و آنها هم خواهان ۸ ساعت کار در روز (۴ ساعت در هفته) هستند، قول میدهند که ۱ ساعت اضافی را بحساب اضافی کاریشان بگذارند تا

(۸) - لازم به تذکر است که گروه صنعتی ملی از ۲۲ شرکت تشکیل شده و نزدیک به ۱۳ هزار نفر کارگر دارد. هیئت مدیره این گروه صنعتی دولتی بوده و مرکب از نمایندگان وزارت صنایع و معادن، وزارت کار و... می باشد.

